

Critical Review of Iran's Legislative Performance on the Civil Liability of Foreign State Imposing Sanctions

Laya Joneydi * 

Professor, Department of Private and Islamic Law,
Faculty of Law and Political Science, University of
Tehran, Iran

Sepideh Razi 

PhD in private law, Faculty of Law and Political
Science, University of Tehran, Iran

Abstract

In Iranian legal system, several acts have been enacted on the liability of foreign state for violating international law. Some of these acts have been enacted in order to protect the rights of the Iranian people and diplomatic support, and others in order to make counter measure against violation of immunity from jurisdiction and enforcement by a foreign state, as well as to determine the competent court to file lawsuits and similar issues. In this study, Iran's legislative performance in the mentioned issues with an analytical approach, in order to identify Iran's legal capacity regarding the responsibility of the foreign state is examined and then the gaps in the mentioned laws are discussed. A study of the various acts in this field shows that these acts are often written without proper notice to sufficient accuracy, expert opinions and principles of legislation. Therefore, it is needed to consolidate these acts, which mainly have the same subjects, into a coherent act with sufficient scrutiny in writing articles, considering international law, and without mere quick reactionary approach to foreign state's measures.

Keywords: liability, foreign state, legislative performance, sanction.

* Corresponding Author: ljoneydi@yahoo.com

How to Cite: Joneydi, L., & Razi, S. (2023). Critical Review of Iran's Legislative Performance on the Civil Liability of Foreign State Imposing Sanctions. *Private Law Research*, 11(41), 83- 125. doi: 10.22054/jplr.2023.68036.2678



نگاهی انتقادی به عملکرد تقنینی ایران در مورد مسئولیت مدنی دولت خارجی در اعمال تحریم

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

لیعا جنیدی *

دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سپیده راضی

چکیده

در حقوق ایران قوانین متعددی در زمینه مسئولیت دولت‌های خارجی به دلیل نقض حقوق بین‌الملل، وضع شده است. برخی از این قوانین به منظور استیفای حقوق ملت ایران و حمایت دیپلماتیک و برخی دیگر به منظور اقدام متقابل در برابر نقض مصونیت قضایی و اجرایی توسط دولت خارجی و همچنین تعیین مرجع صالح برای طرح دعوی و مسائلی از این دست، وضع شده است. با اعمال تحریم‌های متعدد علیه ایران و آثار زیان‌بار آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی و خدمات عمومی کشور، بررسی ظرفیت قانونی ایران در مورد مسئولیت دولت خارجی لازم می‌نمود. در این پژوهش عملکرد تقنینی ایران با رویکرد تحلیلی، به هدف شناسایی ظرفیت قانونی ایران در خصوص مسئولیت دولت خارجی بررسی و سپس خلأهای موجود در قوانین مورد اشاره مطرح می‌شود. این بررسی نشان می‌دهد که این قوانین غالباً فاقد دقت کافی، بدون ابتنا بر نظرات کارشناسی و رعایت اصول قانون‌نویسی نگارش شده‌اند؛ لذا تجمیع این قوانین که گاه دارای موضوعات یکسان است در یک قانون منسجم و نگارش مواد با دقت کافی با لحاظ موازین حقوق بین‌الملل و نه صرفاً به هدف واکنش سریع به اقدامات یک دولت خارجی مورد نیاز است.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت، دولت خارجی، عملکرد تقنینی، تحریم.

مقدمه

مسئولیت در نظم حقوقی بین‌المللی، نتیجه ضروری و مسلّم برابری کشورهاست و روابط متقابل آن‌ها را قاعده‌مند می‌سازد^۱ و از آنجا که جامعه بین‌المللی محیطی است که کشورها بر اساس حاکمیتشان آزادانه تصمیم می‌گیرند، اهمیت و جایگاه آن در نظام بین‌المللی به مراتب بیش از نظام داخلی است.^۲ تصویب طرح مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی^۳ در سال ۲۰۰۱ و طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی^۴ در سال ۲۰۱۱ از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل و سپس تصویب قطعنامه‌های متعدد^۵ در رابطه با آن‌ها توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز نشان از نیاز جامعه جهانی و اهمیت این موضوع در عرصه بین‌المللی دارد. از طرف دیگر اعمال تحریم‌ها در طی سالیان متمادی علیه کشور ایران به عنوان ابزار سیاست خارجی، با اعمال ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها^۶ خسارات متعددی را به بخش‌های مختلف اقتصادی و خدمات عمومی کشور وارد کرده است و موجب طرح مسئله چگونگی احراز مسئولیت تحریم‌کنندگان و نحوه مطالبه خسارات ناشی از آن شده است. هدف این پژوهش بررسی عملکرد تقنینی ایران در وضع قوانین مربوط به مسئولیت مدنی دولت خارجی است تا ظرفیت، نواقص و خلأهای آن با رویکرد تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد و امکان استفاده از این بستر برای طرح دعوی مسئولیت دولت

1. Verhoeven, Joe, "Charles de Visscher: Living and Thinking International Law", EJIL, Vol. 11 No. 4, (2000), p. 899.

۲. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ سی‌ام، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶)، ص ۴۶۵.

3. "Draft Article on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts" 2001.

4. "Draft articles on the responsibility of international organizations" 2011.

5. Resolutions of responsibility of States for internationally wrongful acts: Resolution 56/83 of 12 December 2001, the annex to which contains the text of the articles on responsibility of States for internationally wrongful acts, resolutions 59/35 of 2 December 2004, 62/61 of 6 December 2007 and 65/19 of 6 December 2010 commending the articles to the attention of Governments, Eventually Resolution 68/104 adopted by the General Assembly on 16 December 2013.

Resolutions of Responsibility of international organizations: Resolution 66/100 of 9 December 2011, the annex to which contains the text of the articles on the responsibility of international organizations, and its resolutions 69/126 of 10 December 2014 and 72/122 of 7 December 2017 commending the articles to the attention of Governments and international organizations, Eventually Resolution 75/143 adopted by the General Assembly on 15 December 2020.

6. Folch, A.E. "Economic Sanctions and the Duration of Civil Conflicts". Journal of Peace Research, 2010, p.2.

خارجی به خصوص دعوای مسئولیت ناشی از تحریم روشن شود. علی‌رغم اهمیت این موضوع تاکنون پژوهش جامع و تحلیلی در بررسی ابعاد مختلف قوانین متعدد موجود در این زمینه شامل «قانون الزام دولت به پیگیری و استیفا حقوق اتباع و دیپلمات‌های ایرانی آسیب‌دیده از اقدامات دولت‌های خارجی به ویژه دولت اشغالگر آمریکا» مصوب ۱۳۸۹/۰۳/۲۶، «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعوای مدنی علیه دولت‌های خارجی»^۱ مصوب ۱۳۹۰/۱۲/۱۷، «قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی» مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۸، «قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» مصوب ۱۳۹۶/۰۵/۲۲ و نیز «ماده واحده استفاده از خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و یا خارجی به منظور استیفای حقوق ملت ایران در دعوای ایران علیه خارجیان و بالعکس» مصوب ۱۳۶۰/۰۹/۲۹^۲ انجام نشده است؛ بنابراین در این پژوهش، عملکرد تقنینی ایران به صورت تحلیلی به هدف شناسایی ظرفیت قانونی ایران در خصوص مسئولیت دولت خارجی که شامل مباحثی از جمله نحوه حمایت دیپلماتیک ایران از اتباع خود، اتخاذ اقدام متقابل قضایی و اجرایی، نحوه تعیین قانون حاکم و انتخاب مرجع صالح و در نهایت خلأهای موجود در قوانین بررسی می‌شود و به این پرسش اصلی پاسخ داده خواهد شد که نحوه عملکرد تقنینی ایران در احراز مسئولیت دولت خارجی چگونه بوده و ظرفیت، نواقص و خلأهای آن کدام است؟

قوانین ایران در مورد مسئولیت مدنی دولت خارجی باید با حفظ ظرفیت‌های موجود، با رعایت موازین حقوق بین‌الملل به نحو منسجم و با دقت کافی بازنگری و برخی از خلأهای آن مورد قانون‌گذاری واقع شود. جزئیات اصلاحات مورد نیاز، به فراخور هر مبحث تبیین می‌شود.

۱. از این پس عنوان این قانون به اختصار «قانون صلاحیت دادگستری» بیان می‌شود.

۲. این ماده واحده در ابتدا، برای پیگیری دعوای گسترده مطروحه بعد از انقلاب از جمله رسیدگی به دعوای در چارچوب بیانیه الجزایر وضع شد ولی به دلیل تقابل میان دو کشور ایران و آمریکا و قانون‌گذاری فراسرزمینی ایالات متحده که منشأ ورود خسارات متعددی به ایران شد، کاربرد وسیعی پیدا کرد، به همین دلیل به‌طور غیرمستقیم با موضوع مقاله ارتباط دارد.

۱. عملکرد تقنینی ایران در حمایت دیپلماتیک^۱

در قرن نوزدهم ملیت به عنوان رکن اعطای حقّ حمایت دیپلماتیک توسط دولت ملی، در نظر گرفته شد و پیوند میان آن‌ها در سراسر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، محوری باقی ماند.^۲ حمایت دیپلماتیک که یک مفهوم حقوق بین الملل عرفی محسوب می‌شود،^۳ فرآیندی است که از سوی یک دولت به منظور حمایت از اتباع خود، پیرو نقض حقوق آن‌ها توسط دولت دیگر به کار گرفته می‌شود.^۴ کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۲۰۰۶ طرح حمایت دیپلماتیک^۵ را که بخشی از سند مسئولیت بین المللی دولت‌ها محسوب می‌شود، تصویب کرد. مواد این طرح تا حدود زیادی حقوق بین الملل عرفی در مورد حمایت از اتباع را مدون نموده و حدود صلاحیت و نحوه اجرای آن را نیز معین می‌کند. به موجب ماده یک این طرح، حمایت دیپلماتیک، استناد یک دولت از طریق اقدامات دیپلماتیک یا سایر راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز به مسئولیت دولت دیگر در قبال صدمه ناشی از اقدام متخلفانه بین المللی آن دولت به اتباع کشور استناد کننده است. با روشن شدن مفهوم حمایت دیپلماتیک، در ابتدا این مسئله مطرح می‌شود که حمایت دیپلماتیک حقّ دولت متبوع است یا حقّ تبعه آن دولت و سپس عملکرد تقنینی ایران در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. حمایت دیپلماتیک، حقّ دولت یا حقّ تبعه

در حقوق بین الملل کلاسیک، حمایت دیپلماتیک یک دولت از تبعه خود با این استدلال که صدمه به شخص، آسیب به دولت متبوع وی است، حقّی برای دولت تلقی می‌شد.

1. Diplomatic protection

2. Denza Eileen, "Nationality and Diplomatic Protection", Springer, Asser press, Netherlands International Law Review, 2018, 464.

3. LaGrand Case, ICJ, No. 104, 27 June 2001, p 483.

4. Aduku, Oshoma, "State Diplomatic Protection for Citizens with Dual Nationality" (Case Study of Nnamdi Kanu, Nigerian and British National) 2021, p.1. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3880777>

5. Draft articles on Diplomatic Protection, 2006, adopted by the International Law Commission at its fifty-eighth session and submitted to the General Assembly, Official Records of the General Assembly, Sixty-first Session supplement No. 10 (A/61/10).

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در پرونده «ماوروماتیس»^۱ بیان کرد که «یک دولت با توسل به حمایت دیپلماتیک یا رسیدگی‌های قضایی بین‌المللی به نمایندگی از تبعه، در حقیقت حقوق خود را اعمال می‌کند» و در پرونده «پانوزیس-سالدوتیسکیس»^۲ بار دیگر بر این نکته تأکید کرد که «یک کشور با حمایت دیپلماتیک از حق خود دفاع می‌کند و این حق لزوماً محدود به مداخله از جانب اتباع خود است؛ زیرا در صورت عدم وجود توافق خاص، این پیوند تابعیت بین دولت و فرد است که به تنهایی حق حمایت دیپلماتیک را به دولت اعطا می‌کند. در صورتی که آسیب به تبعه یک کشور دیگر وارد شده باشد، هیچ ادعایی در ارتباط با چنین آسیبی، در حیطه حمایت دیپلماتیک قرار نمی‌گیرد تا یک کشور حق داشته باشد از آن استفاده کند» این توضیح برای حمایت دیپلماتیک بر این فرض استوار است که طبق حقوق بین‌الملل، فرد هیچ‌گونه حقی از نظر حقوق بین‌الملل ندارد، ولی تحولات بعدی حقوق بین‌الملل در رابطه با حقوق بشر که از فرد در برابر دولت خود و دولت‌های خارجی حمایت می‌کند، در اعتبار این دیدگاه تردید ایجاد کرد و این تحول در تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده «لاگرانده»^۳ نمود یافت. به اعتقاد دیوان، بند ۱ «ب» ماده ۳۶ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در روابط کنسولی و دیپلماتیک، حقوق فردی ایجاد می‌کند و ماهیت حقوق بشری دارد و این مانع از آن نیست که یک کشور عضو معاهده، پرونده یکی از اتباع خود را به نیابت از تبعه آغاز کند. همچنین دیوان، ماهیت مختلط ادعای آلمان را تأیید کرد. بدین توضیح که آلمان به نقض ماده ۳۶ کنوانسیون استناد و اعلام کرد که این ماده، حقوقی را هم به دولت و هم به شخص بازداشت‌شده اعطا می‌کند. بر این مبنا دیوان به آلمان اجازه داد دو ادعا را ارائه کند، یکی از طریق مکانیسم حمایت دیپلماتیک در مورد آسیب به فرد و دیگری در مورد آسیب مستقیم به دولت. به این ترتیب، دیوان به نوبه خود شایستگی آلمان را برای ارائه یک دعوی مختلط با احراز حقوق خود و حقوق اتباع پذیرفت؛^۴ بنابراین دیوان به جای تکرار دیدگاه سنتی مبنی بر اینکه حمایت دیپلماتیک حق دولت است، حقوق فردی ایجادشده توسط

1. The *Mavrommatis Palestine Concessions*, Permanent Court of International Justice, Series A, No. 2, 1924, p.12.

2. *Panevezys-Saldutiskis Railway case*, PCIJ, Series A/B No. 76, 1939, p.16.

3. *LaGrand Case*, ICJ, No. 104, 27 June 2001, p.483 & 514.

4. *LaGrand Case*, *ibid.* p.494. no.77

کنوانسیون را در این دادگاه قابل استناد دانست و از حکم پرونده «ماوروماتیس» فاصله گرفت.^۱

طرفداران «انسانی کردن» حمایت دیپلماتیک، اغلب به استدلال‌های مبتنی بر عدالت متوسل می‌شوند و تأکید می‌کنند طبیعت اختیاری حمایت دیپلماتیک از سوی دولت می‌تواند منجر به بی‌عدالتی شود و این اختیار باید تبدیل به تعهد دولت شود.^۲ در مقابل برخی معتقدند واقعیت این است که حمایت دیپلماتیک یک نهاد سیاسی است و نمی‌توان آن را بر اساس یک ایده نادرست به وظیفه‌ای برای دولت تبدیل کرد.^۳ در هر حال، کمیسیون حقوق بین‌الملل بدون اتخاذ موضع صریح در طرح حمایت دیپلماتیک، این مسئله را باز می‌گذارد.^۴ در ماده ۲ این سند، مقرر شده است یک دولت حق دارد از حمایت دیپلماتیک استفاده کند که گویی حمایت دیپلماتیک را حق دولت و نه حق تبعه می‌داند و در عین حال در ماده ۱۴، «ادعاهای مختلط» را که شامل عناصری از صدمه هم به خود دولت و هم به اتباع آن دولت است، مورد شناسایی قرار می‌دهد. ماده اخیر نشان از نزدیک شدن به رویکرد انسانی نسبت به حمایت دیپلماتیک دارد.

بنابراین این که آیا شخص دارای حق حمایت دیپلماتیک از کشور اعطاکننده تابعیت خود است، اصولاً بستگی به قوانین ملی دارد. طبق حقوق بین‌الملل عرفی، این حق متعلق به دولت است و هر کشوری می‌تواند نه تنها زمان و وسعت هر اقدامی را انتخاب کند بلکه می‌تواند تصمیم بگیرد که آیا اصلاً اقدامی را انجام می‌دهد یا خیر و مصلحت سیاسی و اقتصاد ملی خود را بر رسیدگی قضایی و اعمال حمایت سیاسی ترجیح دهد؛^۵ بنابراین برای فهم رویکرد قانون‌گذار ایرانی، باید قوانین موضوعه در زمینه حمایت دیپلماتیک، بررسی شود.

1. Pergantis, Vasileios, "Towards a "Humanization" of Diplomatic Protection?" , *ZaöRV* 66, (2006), pp.372-373.

2. Vermeer-Künzli, Annemarieke, As If: "The Legal Fiction in Diplomatic Protection", *The European Journal of International Law* Vol. 18 no. 1 © EJIL (2007), p. 49.

3. Op.cit, p. 373.

4. Denza, opcit, p.466.

5. Ibid. 467.

۲-۱. چگونگی حمایت دیپلماتیک در قوانین ایران

پس از انقلاب اسلامی ایران و اعمال تحریم‌ها قوانین متعددی در زمینه حمایت دیپلماتیک وضع شد و حمایت از اتباع ایرانی مورد تأکید قرار گرفت. اولین قانون در زمینه حمایت دیپلماتیک، قانون «استفاده از خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و یا خارجی به منظور استیفای حقوق ملت ایران در دعاوی ایران علیه خارجی‌ان و بالعکس» مصوب ۱۳۶۰/۰۹/۲۹ است که به دولت اجازه می‌دهد برای دفاع مؤثر در دعاوی مطروحه علیه ایران و اقامه و تعقیب دعاوی علیه خارجی‌ان به منظور استیفای حقوق ملت ایران از خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و خارجی استفاده نماید. این قانون بی‌تردید نه تنها حمایت از حقوق دولت ایران را در بر می‌گیرد، بلکه شامل حمایت از حقوق اتباع ایرانی دست‌کم در فرضی که دولت ایران از منظر حمایت دیپلماتیک دعوایی را طرح می‌کند نیز می‌شود. سپس در قانون «الزام دولت به پیگیری و استیفا حقوق اتباع و دیپلمات‌های ایرانی آسیب‌دیده از اقدامات دولت‌های خارجی به ویژه دولت اشغالگر آمریکا» مصوب ۱۳۸۹/۰۳/۲۶^۱، وزارت امور خارجه موظف شد در همکاری با دستگاه‌های داخلی و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مراجع ذی‌ربط بین‌المللی، حقوق اتباع از جمله دیپلمات‌های ایرانی را که توسط دولت‌های خارجی آسیب دیده‌اند، در سایر کشورها مورد پیگیری و استیفا قرار دهد. استفاده از الفاظ «الزام» در عنوان قانون و «موظف است» در متن ماده واحده و همچنین تأکید بر این مسئله در مشروح مذاکرات مجلس در خصوص ارزیابی عملکرد دولت در حمایت و دفاع از حقوق اتباع ایرانی آسیب‌دیده از کشورهای خارجی^۲، مبنی بر اینکه دفاع و حمایت از حقوق اتباع ایرانی از وظایف ذاتی دولت است، این تفسیر را تقویت

۱. در ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی این قانون با عنوان «حمایت حقوقی و قضایی از کارکنان و مأموران دستگاه‌های اجرایی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی آسیب‌دیده از اقدامات دولت‌ها و مراجع داخلی و خارجی»، نیز دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه، موظف شدند تا نسبت به حمایت حقوقی و قضایی از کارکنان و مأموران خود که در انجام وظایف و مسئولیت‌های قانونی خود یا به سبب آن و یا در راستای مسائل مربوط به اقدامات خصمانه خارجی نظیر تحریم، طرف هر نوع شکایت و دعاوی دولت‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی در محاکم و مراجع قضایی، غیرقضایی و اداری اعم از داخلی، خارجی و بین‌المللی واقع شوند، اقدام نمایند.

۲. روزنامه رسمی، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره نهم - اجلاسیه دوم، شماره ۲۰۰۸۷، جلسه صد و هفتاد و دوم (۱۷۲)، ۱۳۹۲، ص ۱۰.

می‌کند که حمایت دیپلماتیک موضوع این ماده واحد، حقی برای اتباع تلقی و برای دولت تعهد به وجود می‌آورد. تأکید دوباره بر وظیفه دولت در حمایت از اتباع ایرانی، از طریق اقدامات حقوقی و بر موازین اصول دادرسی عادلانه به منظور استیفای حقوق ملت ایران جهت جبران خسارت و اخذ غرامت در ماده ۱ قانون «الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی»^۱ مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۸ نیز بر این تفسیر، صحه می‌گذارد.

بنابراین وضع قوانین مذکور در حقوق ایران، استفاده از واژه‌های الزام و موظف بودن دولت به حمایت از اتباع، بررسی مشروح مذاکرات مجلس، بیانگر آن است که قانون‌گذار حمایت دیپلماتیک را تعهدی برای دولت می‌داند و این رویکرد هم‌سو با عقیده کسانی است که بر حقوق بشر و انسانی کردن حمایت دیپلماتیک تأکید دارند و ماهیت اختیاری این حمایت را موجب بی‌عدالتی می‌دانند.

۲. عملکرد تقنینی ایران در راستای اقدام متقابل

اقدام متقابل عبارت از واکنش ضروری و متناسب در پاسخ به یک فعل متخلفانه بین‌المللی است و این اقدام به واسطه آنکه در پاسخ به فعل متخلفانه انجام شده است توجیه می‌شود،^۲ در غیر این صورت، غیرقانونی تلقی می‌شد.^۳ در مواد متعددی از قوانین ایران در خصوص مسئولیت دولت خارجی، از واژه‌های «عمل متقابل»^۴ و «اقدام متقابل»^۵ استفاده شده است که پیش از ورود به بررسی این مواد، شایسته است تفاوت میان آن‌ها روشن شود. اقدام متقابل محدود به پاسخ متناسب به فعل متخلفانه بین‌المللی است درحالی که عمل متقابل در روابط و معاهدات بین‌المللی گستره بیشتری دارد و شامل مزایا و مجازات‌هایی می‌شود

۱. در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ارائه این طرح را موضع‌گیری قاطع مجلس شورای اسلامی در برابر سلسله اقدامات آمریکا در رابطه با مصادره و تصرف در اموال جمهوری اسلامی ایران و الزام به پیگیری حقوقی دولت بیان نمودند. ر.ک: روزنامه رسمی، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره نهم - اجلاس چهارم، شماره

۲۰۷۶۱، جلسه چهارصد و بیست و چهارم (۴۲۴)، ص ۸

2. Alland, Denis, "Countermeasures of General", *The European Journal of International Law*, Vol. 13 No. 5, (2002), p.1221.

3. ILC Commentary on Countermeasures, Chapter II, p. 304.

4. Reciprocity

5. Counter measure

که توسط یک دولت در صورت شمول آن امتیازات یا مجازات‌ها بر اتباع خود، آن‌ها را به شهروندان یا اشخاص حقوقی دولت دیگر اختصاص می‌دهد. به عنوان مثال، عمل متقابل در کاهش تعرفه‌ها، ایجاد محدودیت‌های سفر و شرایط اعطای ویزا، شناسایی و اجرای متقابل احکام دادگستری، ایجاد محدودیت در تملک مال غیرمنقول توسط اتباع خارجه و اعطای حق چاپ به نویسندگان خارجی به کار گرفته می‌شود، لذا عمل متقابل اعم از اقدام متقابل است.^۱ حال با توجه به روشن شدن مفهوم این دو اصطلاح، به نظر می‌رسد که مراد از عمل متقابل استعمال شده در قوانین مربوط به مسئولیت دولت خارجی، همان اقدام متقابل است که در فصل دوم طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و طرح مسئولیت سازمان‌ها نیز بیان شده است. پس از بیان این مقدمه، عملکرد تقنینی ایران در مورد اقدام متقابل در چند حوزه به شرح زیر بررسی می‌شود.

۱-۲. عملکرد تقنینی ایران در برابر نقض مصونیت قضایی دولت

مصونیت قضایی دولت‌ها که از اصل برابری حاکمیت‌ها ناشی می‌شود به این معنا است که هیچ دولتی نمی‌تواند در مراجع داخلی خود، دولت‌های دیگر را مورد تعقیب قرار دهد. مصونیت دولت‌ها از اعمال صلاحیت قضایی توسط دولت دیگر نسبت به آن‌ها، از قواعد مسلم حقوق بین‌الملل عرفی است.^۲ بایان حال این مصونیت در طول قرن بیستم به طرز چشمگیری تغییر کرد و دیگر دولت‌های خارجی یا مقامات آن‌ها در خصوص اقدامات تجاری، برخلاف اقدامات عمومی یا دولتی (اقدامات حاکمیتی) از مصونیت برخوردار نبودند؛^۳ لذا دکتین مصونیت مطلق جای خود را به نظریه مصونیت محدود داد که یکی از مهم‌ترین تحولات در زمینه حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شود.^۴ باید توجه داشت،

1. Crescenzi, Mark, Rebecca H. Best and Bo Ram Kwon, *Reciprocity in International Studies*, The International Studies Encyclopedia, (2010), p.2.

2. Whytock, Christopher A., *Foreign State Immunity and The Right to Court Access*, Boston university law review, Vol. 93, (2013), p.2035.

3. Peters Anne, Evelyne Lagrange, Stefan Oeter, *Immunities in the Age of Global Constitutionalism*, Brill Nijhoff, Boston, (2015), p.14.

4. Op.cit, p. 2036.

مصونیت مقامات رسمی در حیطه انجام وظایف محوله به آن‌ها با مصونیت دولت عجین است؛ زیرا آن‌ها از طرف دولت عمل می‌کنند.^۱ تاکنون، جامعه بین‌المللی بارها شاهد تلاش برای تدوین حقوق مربوط به مصونیت دولت‌ها بوده است. در این ارتباط می‌توان به کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت‌ها و کنوانسیون ملل متحد در مورد مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها اشاره کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز اهمیت اصل مصونیت دولت‌ها را در برخی از آرای خود که مهم‌ترین آن پرونده آلمان علیه ایتالیا است، مورد تأکید قرار داد و دولت ایتالیا را به دلیل نقض مصونیت دولت آلمان محکوم کرد.^۲ به موازات این تلاش‌ها در سطح بین‌المللی، برخی از دولت‌ها اقدام به تصویب قوانین ملی در مورد مصونیت حاکمیتی کردند^۳ و کشورهایی که به هر دلیلی فرصت تصویب قوانین ملی را از دست داده‌اند، برای تعیین محدوده مصونیت دولت‌های خارجی، به عرف بین‌المللی تکیه می‌کنند.^۴ حال در دو بند زیر نقض مصونیت قضایی دولت ایران و سپس عملکرد تقنینی ایران در برابر این نقض، بررسی می‌شود.

۱-۱-۲. نقض مصونیت قضایی دولت ایران

ایالات متحده آمریکا به عنوان کشوری که به دفعات مصونیت قضایی دولت ایران را نقض کرده است، برای نادیده گرفتن مصونیت حاکمیت خارجی، با اصلاح «قانون مصونیت دولت‌های خارجی»^۵ استثنائاتی را برای نقض مصونیت در نظر گرفت. همچنین استثنای تروریسم را تحت قانون «مبارزه با تروریسم و مجازات مؤثر مرگ»^۶ در سال ۱۹۹۶ تصویب کرد. با این اصلاحیه، محاکم داخلی آمریکا صالح به رسیدگی دعاوی خواهان‌های

۱. حدادی، مهدی و علی احدی کرتق، بررسی ماهیت و ابعاد «عمل متقابل» در قانون صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، حقوق خصوصی، دوره ۱۴، شماره ۲، (۱۳۹۶)، ص ۳۳۹.

2. Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), Judgment, I.C.J. Reports 2012, p.109. <https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/143/143-20120203-JUD-01-00-EN.pdf>

3. Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA) of United States law, State Immunity Act of Canada.

4. Finke, Jasper, "Sovereign Immunity: Rule, Comity or Something Else?" *The European Journal of International Law*, Vol. 21 no. 4, (2010), p.857.

5. Foreign Sovereign Immunities Act of 1976 (FSIA)

6. The Antiterrorism and Effective Death Penalty Act (AEDPA)

آمریکایی علیه دولت‌های موضوع این قانون شدند مشروط بر این که سه شرط مقرر در بند ۱۶۰۵ «الف» «۷» را احراز کنند: یکم؛ فعل زیان‌بار در حیطه وظایف محول‌شده به مقام رسمی، کارمند و یا عامل دولت خارجی ارتکاب یافته باشد. دوم؛ خواهان در زمان وقوع حادثه، تبعه ایالات متحده آمریکا باشد. سوم؛ دولت خواننده به هنگام وقوع حادثه تروریستی و یا بعد آن جز فهرست دولت‌های حامی تروریسم اعلامی وزارت امور خارجه قرار گرفته باشد.^۱ با تجویز گسترده‌ای که به موجب این استثنائات در خصوص نقض مصونیت حاکمیت خارجی صورت گرفت، دعاوی بسیاری علیه ایران و مقامات رسمی آن در دادگاه‌های آمریکا اقامه و به دفعات مصونیت جمهوری اسلامی ایران نقض گردید. یکی از دعاوی مهم، دعوی خانواده بنت در نتیجه مرگ مارلا بنت ناشی از بمباران ۳۱ جولای ۲۰۰۲ کافه تریا در ساختمان فرانک سیناترا در محوطه دانشگاه عبری است.^۲ شاکیان این دعوی که شامل والدین (لیندا و مایکل بنت)، خواهر (لیزا بنت) و مادر بزرگ مادری (فلورانس اکرمین) متوفی بودند، در ۲ ژوئیه ۲۰۰۳ با طرح دعوی، خسارت قابل انتظار وارده به اموال متوفی و خسارت معنوی وارد شده در اثر مرگ مارلا بنت به والدین، خواهر و مادر بزرگ مادری‌اش را مطالبه کردند، با این ادعا که دولت ایران و وزارت اطلاعات و امنیت که بخشی از دولت تلقی می‌شود، به‌طور مشترک و مجزا مسئول خسارات ناشی از این حمله هستند؛ زیرا آن‌ها از حزب‌الله که سازماندهی و بمب‌گذاری را انجام داده است، پشتیبانی کرده و به آن کمک مادی نموده‌اند.

دادگاه سه شرط مقرر در بند ۱۶۰۵ «الف» «۷» قانون مصونیت دولت‌های خارجی را با اعلام اینکه: نخست؛ دولت ایران از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۴^۳ به‌طور مداوم در فهرست وزارت

۱. کشور حامی تروریسم توسط وزارت امور خارجه بر اساس سه قانون تعیین می‌شود: بخش ۱۷۵۴ (ج) قانون مجوز دفاع ملی (National Defense Authorization Act) برای سال مالی ۲۰۱۹، بخش ۴۰ قانون کنترل صادرات تسلیحات (Arms Export Control Act) ۱۹۷۹ و بخش ۶۲۰ الف قانون کمک خارجی (Foreign Assistance Act).

2. Michael Bennett as Plaintiffs v. Islamic Republic of Iran, Civil Action No. 03-1486 (RCL), United States District court, https://ecf.dcd.uscourts.gov/cgi-bin/show_public_doc?2003cv1486-20

۳. در سال ۱۹۸۴ معادل ۱۳۶۳ شمسی ایالات متحده آمریکا در زمان صدام به حمایت از رژیم عراق، این کشور را از لیست کشورهای حمایت‌کننده از تروریست خارج و جمهوری اسلامی ایران را افزود.

<https://www.state.gov/state-sponsors-of-terrorism/>

خارجی بوده است. دوم؛ قربانی مارلا بنت متوفی در زمان وقوع حادثه تبعه ایالات متحده بوده و سوم؛ فعل مقامات دولت ایران در حیطه وظایف محول شده ارتکاب یافته است، صلاحیت خود را احراز کرد و با استناد به قانون مسئولیت مدنی کالیفرنیا، با تفسیر واژه خانواده، دعوی را از جانب مادر بزرگ متوفی رد کرد و نسبت به سایر شاکیان، ایران را محکوم به پرداخت خسارت کرد.^۱

۲-۱-۲. اقدام متقابل در واکنش به نقض مصونیت قضایی در قوانین ایران
قانون گذار ایرانی، طبق قانون صلاحیت دادگستری به اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی اجازه داد تا برای مقابله و جلوگیری از نقض مقررات و موازین حقوق بین الملل، از اقدامات دولت های خارجی که مصونیت قضایی دولت ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نموده اند، در دادگستری تهران اقامه دعوی کنند. به موجب مواد ۱، ۶ و ۷ قانون مذکور، دادگاه مرجوع الیه با احراز سه شرط زیر مکلف است به عنوان اقدام متقابل به دعاوی مذکور رسیدگی و طبق قانون حکم مقتضی صادر کند: یکم؛ خسارت از هرگونه اقدام و فعالیت دولت های خارجی در داخل یا خارج ایران که مغایر با حقوق بین الملل باشد یا از اقدام اشخاص یا گروه های وحشت افکن (تروریستی) در داخل یا خارج ایران که دولت خارجی آن ها را تشویق یا از آن ها حمایت می نماید و یا اجازه اقامت یا تردد و یا فعالیت در قلمروی حاکمیت خود را به آن ها می دهد، ناشی شده باشد. دوم؛ زیان دیده یا بازماندگان وی در زمان وقوع حادثه یا زمان طرح دعوی تبعه ایران باشد. سوم؛ دولت خوانده مصونیت قضایی ایران را نقض کرده باشد. فهرست دولت های مشمول عمل متقابل توسط وزارت امور خارجه تهیه و به قوه قضائیه اعلام می شود.

در ماده ۲ «قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی» نیز دولت موظف شده است در راستای اقدام متقابل، کلیه اقدامات حقوقی را در مواردی که ایالات متحده تعهدات خود در قبال جمهوری اسلامی ایران به ویژه در حوزه مصونیت دولت را نقض کرده است، به عمل آورد. ماده یک قانون مذکور، در خصوص موضوع دعاوی که مشمول این قانون است، به بیان مصادیقی از اقدامات آمریکا اکتفا کرده و برخلاف قانون صلاحیت دادگستری، معیاری را برای نوع

1. Op.cit.

این دعاوی بیان نکرده است. گرچه در بند دهم با بیان کلی ترریال مقرر شده است که اقدامات حقوقی برای «کلیه خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از سایر اقدامات یا وقایعی که با حمایت یا نقش آفرینی ایالات متحده روی داده است یا در آینده روی خواهد داد» امکان‌پذیر است، اما باید این اقدامات را محدود به اقداماتی دانست که با نقض حقوق بین‌الملل از سوی دولت آمریکا یا با حمایت و نقش آفرینی آن ارتکاب یافته باشد؛ بنابراین برای طرح دعوی ناشی از تحریم علیه کشورهای ناقض مصونیت قضایی دولت ایران، باید عدم مشروعیت اعمال تحریم‌ها به خصوص تحریم‌های یک‌جانبه^۱ که با نقض حقوق بین‌الملل همراه است احراز شود.

وضع مواد فوق، بیانگر آن است که قانون‌گذار ایرانی پایبند به اصل مصونیت قضایی دولت‌ها است و نقض مصونیت صرفاً در راستای اقدام متقابل و در خصوص فعالیت و اقداماتی است که مغایر حقوق بین‌الملل بوده و توسط دولت‌هایی که مصونیت دولت ایران را نادیده گرفته‌اند، اعمال می‌شود.

۲-۲. عملکرد تقنینی ایران در برابر نقض مصونیت اجرایی دولت

در کنار مصونیت قضایی دولت‌ها، اموال آن‌ها نیز از اقدامات اجرایی مصون است و یک دولت نمی‌تواند اموال دولت خارجی را برای اجرای احکام دادگاه توقیف کند.^۲ این مصونیت علاوه بر اینکه به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی مورد پذیرش قرار گرفته

۱. اعمال تحریم‌ها به خصوص تحریم‌های یک‌جانبه که از سوی دولت آمریکا با نقض اصول کلی بین‌المللی از جمله اصل ملاحظات اولی انسانی، اصل عدم‌مداخله، اصل آزادی تجارت اعمال می‌شود. از همان آغاز به جهت آنکه بر خلاف حقوق بین‌الملل و مصالح جامعه جهانی است و با ایجاد درد و رنج‌های انسانی همراه است مخالفت جامعه بین‌المللی به‌ویژه سیاست‌مداران و حقوق‌دانان را برانگیخت. میزان مخالفت به قدری زیاد بوده است که شاید بتوان قائل به شکل‌گیری نوعی قاعده عرفی در حقوق بین‌الملل در مخالفت با آن شد. برای دیدن مبانی اعمال سرزمینی قواعد امری حقوق عمومی ر. ک: لعیا جنیدی، *قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی*، نشر دادگستر، ۱۳۷۶، صص. ۲۴۹-۲۵۵؛ لعیا جنیدی، «تبیین مفهوم نظم عمومی بین‌المللی با تأکید بر قواعد امری حقوق عمومی»، *ارح‌نامه دکتر الماسی*، ۱۳۹۱، صص. ۱۱۰-۱۳۰؛ ابراهیمی، نصرالله، «اعمال فراسرزمینی قوانین داخلی و آثار آن با ارجاع ویژه به قوانین هلمز- برتون و داماتو»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، سال دوم، شماره هفتم و هشتم، ۱۳۷۹، ص ۵۱. همچنین ر. ک:

O'Connell M., "Debating the Law of Sanctions", *European Journal of International Law*, Vol. 13 No. 1, (2002), p.74.

2. Wiesinger, Eva, *State Immunity from Enforcement Measures*, University of Vienna, 2006, p.3.

است، تحت دو معاهده کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت‌ها و کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد مصونیت‌های قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها، بر اهمیت آن تأکید شده است. در این زمینه، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در دعوی آلمان علیه ایتالیا مقرر داشت که تجویز نقض مصونیت قضایی به خودی خود به تجویز نقض مصونیت اجرایی انصراف ندارد^۱ و مصونیت اجرایی باید از سوی دولت‌ها رعایت شود مگر آنکه ثابت شود مال مورد نظر برای استفاده در فعالیت‌های با اهداف تجاری در نظر گرفته شده است یا دولت خارجی به این اقدام رضایت دهد یا اموال را برای جبران خسارت تعیین‌شده قضایی اختصاص داده باشد.^۲ اینک در دو بند زیر، ابتدا نقض مصونیت اجرایی صورت گرفته علیه ایران و سپس عملکرد تقنینی ایران در راستای اقدام متقابل بررسی می‌شود.

۱-۲-۲. نقض مصونیت اجرایی دولت ایران

ایالات متحده آمریکا در ماده ۱۶۰۹ قانون مصونیت دولت‌های خارجی به مصونیت اموال دولت خارجی از اقدامات اجرایی و توقیف آن‌ها اشاره کرده است که این قانون به جهت مشکلات اجرای آرای صادره از محاکم آمریکا در دسترسی به اموال دولت‌های خارجی، در سال ۲۰۰۸ با عنوان قانون مجوز دفاع ملی^۳ اصلاح شد و به اجرای احکام دادگاه‌های آمریکا اجازه داد تا اموال کشورهای به اصطلاح حامی تروریسم را توقیف کنند. سپس با تصویب بخش ۵۰۲ با عنوان «منافع در برخی اموال ایران»^۴ در «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه»^۵، امکان توقیف دارایی‌های بانک مرکزی ایران در خاک آمریکا فراهم شد. نخستین پرونده‌ای که بر اساس این قانون به صدور رأی و توقیف دارایی بانک مرکزی منجر شد، پرونده پترسون علیه جمهوری اسلامی ایران^۶ است. پرونده پترسون مربوط به انفجاری است که در سال ۱۹۸۳ در بیروت اتفاق افتاد و طی آن ۲۴۱ نفر از تفنگ‌داران نیروی دریایی آمریکا کشته شدند. موضوع در چند نوبت رسیدگی شد تا

1. Germany. v. Italy, 2012: I.C.J. 143, Para. 113.

2. Ibid. Para. 120.

3. National Defense Authorization Act of 2008

4. Interests in Certain Financial Assets of Iran

5. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act (ITRSHRA) of 2012

6. Deborah D. Peterson, Personal Representative of the Estate of James C. Knipple, v. Islamic Republic of Iran, United States District Court for the District of Columbia, March 28, 2007.

سرانجام در سال ۲۰۰۷ در پرونده پترسون، دولت ایران محکوم به پرداخت ۲ میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار خسارت شد. کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۲ با تصویب بخش ۵۰۲ قانون مورد اشاره، ضمن بیان صریح نام پرونده پترسون در قانون، به دادگاه‌های آمریکا اجازه داد تا دارایی‌هایی دولت و حتی بانک مرکزی را توقیف کنند. به این ترتیب، درخواست انسداد میزان محکوم‌به از محل اوراق منتشرشده، متعلق به بانک مرکزی در نزد سیتی بانک نیویورک داده شد و دادگاه نیز بانک مرکزی جمهوری اسلامی را یک نهاد مستقل از دولت نشناخت و دستور توقیف را صادر کرد.

پس از قطعیت حکم، پرداخت خسارت و صدور اجراییه، بانک مرکزی ایران شکایتی را در دیوان عالی آمریکا مطرح کرد و خواستار اعلام مغایرت این بخش از قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر در سوریه با قانون اساسی ایالات متحده شد؛^۱ زیرا کنگره با ذکر صریح یک پرونده مشخص یعنی پرونده پترسون که در حال رسیدگی بود، در امر قضا مداخله کرده و از آن پس دادگاه‌ها مکلف هستند عین مصوبه کنگره را موضوع حکم خود قرار دهند و این امر مغایر با اصل تفکیک قوا در ایالات متحده است. دیوان عالی پس از استماع اظهارات طرفین، اعلام کرد که مصوبه فوق خلاف قانون اساسی نیست و اجازه داد تا رأی صادره اجرا شود. دیوان عالی با ۶ رأی موافق در برابر ۲ رأی مخالف و یک قاضی غایب، رأی خود را در ۲۰ آوریل ۲۰۱۶ صادر کرد. یکی از قضات مخالف رئیس دیوان عالی بود که با اتخاذ موضع رسمی اعلام کرد که عمل کنگره در تصویب قانون خاص در مورد پرونده پترسون خلاف قانون اساسی آمریکا است. در هر حال دیوان عالی آمریکا رأی دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر را تأیید کرد که در نتیجه آن امکان انسداد و تصرف دارایی‌های بانک مرکزی ایران فراهم شد.

۲-۲-۲. اقدام متقابل در برابر نقض مصونیت اجرایی در قوانین ایران

قانون‌گذار ایرانی در راستای اقدام متقابل در واکنش به نقض مصونیت دولت ایران از اقدامات اجرایی، مواد متعددی را پیش‌بینی کرده است. از جمله ماده ۸ قانون صلاحیت دادگستری ایران که در راستای اقدام متقابل مقرر کرده است: اموال متعلق به دولت یا مقامات یا نمایندگان آن یا نهادهای وابسته یا در کنترل دولت خارجی مشمول این قانون،

1. Bank Markazi v. Peterson, Supreme Court of the United States anuary 13, 2016, argued; April 20, 2016.

با ملاحظات در نظر گرفته شده در ماده ۹،^۱ مصون از اقدامات اجرایی نیستند. همچنین در ماده ۲ قانون «الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی» پیش‌بینی شده است، در مواردی که ایالات متحده تعهدات خود در قبال مصونیت اموال متعلق به دولت و مقامات جمهوری اسلامی ایران را نقض نماید، دولت در راستای اقدام متقابل کلیه اقدامات از جمله اقدامات حقوقی را به عمل آورد. ماده ۳ همین قانون در خصوص شناسایی و اجرای احکام خارجی است که در ابتدای ماده، معامله متقابل با دولت‌هایی که آمریکا در آنجا اموالی دارد مطرح شده و در واقع، چهره دیگری از حکم بند یک ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی در مورد معامله متقابل است، گرچه واژه‌ها بدون دقت کافی به کار گرفته شده‌اند؛ در این قسمت از ماده صحبت از پیگیری اجرای احکام خارجی در کشور ثالث در مقام رفتار متقابل است؛ چون ایالات متحده یا اتباع آن نیز در کشورهای ثالث پیگیر اجرای احکام دادگاه‌های آمریکایی شده‌اند؛ بنابراین باید از شرط رفتار متقابل یا عمل متقابل استفاده می‌شد. مفهوم حکم قسمت دوم همین ماده نیز مشخص نیست. به موجب بخش اخیر این ماده: «در مواردی که دادگاه‌های کشور ثالث نسبت به شناسایی و یا اجرای احکام دادگاه‌های داخلی ایالات متحده آمریکا علیه ایران اقدام کنند، دولت موظف است اقدام متقابل مقتضی را جهت شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های داخلی ایران در آن کشورها یا سایر کشورها حسب مورد اعمال کند». ظاهر ماده بیانگر آن است که قانون‌گذار ایرانی به دنبال واکنش به اقدام کشور ثالث به جهت شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاه‌های آمریکا است، اما صحبت از اجرای احکام دادگاه ایرانی در آن کشور و سایر کشورها می‌کند؛ اگر مراد قانون‌گذار ایرانی، رفتار متقابل با کشور ثالثی است که احکام داخلی آمریکا را شناسایی و اجرا می‌کند، این ابهام مطرح می‌شود که چرا معامله متقابل باید با همان کشور ثالث که احکام دادگاه آمریکا را اجرا می‌کند انجام شود، چه بسا آمریکا در آن کشور هیچ مالی نداشته باشد. به علاوه، نمی‌توان کشور ثالث را ملزم نمود که احکام ایرانی را اجرا کند. اگر

۱. ماده ۹- موارد مصرّحه در معاهدات بین‌المللی لازم‌الاجرا نسبت به دولت جمهوری اسلامی ایران مشمول حکم ماده (۸) این قانون نمی‌شود مگر در موارد زیر: الف- عوایدی که از اجاره، رهن یا فروش اموال دولت خارجی حاصل می‌شود. ب- اموال دولت خارجی که به قصد فرار از اعمال این قانون به غیر منتقل می‌شود. پ- اموال مصونیت‌یافته براساس مقررات بین‌المللی که در دولت خارجی مشمول این قانون، موضوع اقدامات اجرایی باشد.

منظور دولت ثالثی است که هم احکام دادگاه داخلی آمریکا را اجرا می کند و هم اموالی از ایالات متحده در آنجا وجود دارد در این فرض نیز به جهت تکرار حکم ابتدایی ماده زائد است. ضمناً باید توجه داشت که درخواست اجرای احکام صادره از دادگاه های ایرانی به نفع اتباع ایرانی علیه دولت آمریکا در کشور ثالثی که ایالات متحده اموالی دارد، علی الاصول توسط خوددزی نفع باید به عمل آید و اقدامات دولت ایران تنها می تواند در قالب کمک های جانبی حقوقی مانند مساعدت در یافتن و کیل و پرداخت حق الزحمه و... باشد.

۲-۳. اقدام متقابل در میزان تقویم خسارات

قانون گذار ایرانی برای اقدام متقابل در نحوه تعیین و ارزیابی خسارات وارد شده، به موجب ماده ۴ قانون صلاحیت دادگستری مقرر کرده است که میزان تقویم خسارات مادی،^۱ معنوی^۲ و تنبیهی^۳ زیان دیدگان، مشابه احکام صادره از دادگاه های خارجی تعیین شود. خسارات تنبیهی علی رغم آنکه در حقوق داخلی ایران پیش بینی نشده است، در دعاوی مسئولیت دولت های خارجی برای نخستین بار در قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت های خارجی مصوب ۱۳۷۹ پیش بینی و در قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰ نیز مجدداً مورد تأکید واقع شد. این نوع خسارت به طور معمول شامل جبران خسارتی بیش از خسارت جبرانی یا ترمیمی است و زمانی تعیین می شود که رفتار زیان زننده چنان عمدی، بدخواهانه یا مزورانه باشد که از معیار قانونی قصور فاحش فراتر رود.^۴ هدف از تعیین خسارت تنبیهی، مجازات زیان زننده و بازدارندگی دیگران از انجام اقدامات مشابه رفتار عامل زیان است.^۵ در ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون اخیر که در ۱۳۹۲ تصویب شد، تعیین خسارت تنبیهی با توجه به آثار، تکرار و تداوم نقض قوانین و مقررات داخلی و بین المللی توسط کشور خوانده علیه دولت یا مقامات یا نماینده کشور ایران و همچنین شدت و

1. Material damages

2. Moral damages

3. Punitive damages or exemplary damages

4. Cohen, Thomas H, Punitive Damage Awards in Large Counties, (U.S. Department of Justice Office of Justice Programs, 2001), p.2.

5. Polinsky, A. Mitchell & Steven Shavell, *Punitive Damage*, Cheltenham, (UK: Edward Elgar, 2000), Volume II, p.765.

گسترده‌گی صدمات و خسارات جانی، معنوی و مالی وارد شده و احکام مشابه دادگاه خارجی صورت می‌گیرد.

آمریکا در سال ۱۹۹۶ با اصلاح قانون مصونیت دولت‌های خارجی تحت قانون مبارزه با تروریسم و مجازات مؤثر مرگ^۱، خسارت تنبیهی را که حکم به آن در احکامی که علیه دولت‌های خارجی صادر می‌شد ممنوع کرده بود، مورد قانون‌گذاری قرار داد. همچنین در اصلاحیه فلاتو^۲ در همان سال به دادگاه‌های آمریکا اجازه داده شد که برای قربانیان تروریسم از خسارت تنبیهی استفاده کنند که پیروی آن، در آرای بسیاری دولت ایران و مقامات رسمی آن به پرداخت خسارت به میزان بالایی محکوم شده‌اند.^۳

به این ترتیب قانون‌گذار ایرانی در واکنش به این اقدام، دادگاه‌های ایرانی را مجاز در صدور حکم به جبران خسارات تنبیهی و تقویم خسارات مشابه احکام خارجی نمود؛ بنابراین دادگاه‌های ایرانی در این نوع دعاوی، نه تنها می‌توانند حکم به پرداخت خسارات تنبیهی بدهند، بلکه لازم نیست محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌های حقوق داخلی در تقویم خسارات از جمله خسارات ناشی از عدم‌النفع و خسارت معنوی را اعمال کنند و با استفاده از معیارهای دادگاه خارجی در تقویم خسارات حکم مقتضی را صادر می‌کنند. این امر نیازمند بررسی نحوه رسیدگی و چگونگی احراز شدت فعل زیانبار برای تعیین خسارت و در نهایت تقویم میزان آن در احکام خارجی است؛ لذا دو رأی مهم از احکام صادره از دادگاه‌های آمریکا تشریح می‌شود:

الف) دعوای سیسیپیو و سایرین علیه جمهوری اسلامی ایران^۴

سه تبعهٔ مرد آمریکایی به همراه همسران دو نفر از آن‌ها که همگی مطابق اعلام خودشان غیرنظامی و ساکن بیروت بودند مدعی جرایمی مانند آدم‌ربایی، حبس و شکنجه توسط مأموران دولت ایران شدند و دعوایی را برای دریافت غرامت مطرح کردند. دادگاه اعلام

1. Antiterrorism and Effective Death Penalty Act(AEDPA) of 1996

2. Flatow Amendment

3. Crowell & Moring LLP, The Foreign Sovereign Immunities Act: 2014Year in Review, law and Business Review of The Americas, vol.22, p172- 178.

4. Joseph J. Cicippio, et al., Plaintiffs,v. Islamic Republic of Iran, Defendant, Civil Action No. 96-1805(TPJ), United States District Court, District of Columbia, 18 F. Supp. 2d 62 (D.D.C. 1998), August 27, 1998:

<https://law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp2/18/62/2449852/>.

کرد که استثنای تروریسم بند ۱۶۰۵ «الف» (۷) دادگاه‌های ایالات متحده را قادر می‌سازد تا پرونده‌هایی را که منجر به مرگ یا جراحت یک شهروند آمریکایی شده و مستقیماً علیه یک کشور مستقل خارجی مطرح می‌شود، اگر این کشور، به طور رسمی توسط وزارت امور خارجه ایالات متحده به عنوان دولت حامی تروریسم معرفی شده باشد، رسیدگی کنند. دادگاه ارائه دلایل اقناع کننده برای انتساب موضوع به ایران را ضروری ندانست و افزود صرف نظر از اینکه شواهد برای احراز این که ایران به تنهایی این گروگان‌ها را دستگیر کرده کافی است یا خیر، ایران آشکارا حمایت مادی به حزب الله ارائه می‌دهد و این دلیل کافی برای تحمیل مسئولیت بر اساس ماده ۱۶۰۵ «الف» (۷) است. اگرچه ربوده شدن سیسیپو، رید و یاکوبسن بیش از یک دهه قبل از تصویب این قانون اتفاق افتاد، کنگره صراحتاً مقرر کرد که قربانیان تروریسم از مزایای آن، از جمله در دوره‌ای که در طی آن دولت خارجی از شکایت مصون بود، برخوردار می‌شوند.

دادگاه خسارات ناشی از عدم النفع را به این صورت حساب کرد که یاکوبسن قبل از دستگیری، شغلی امیدوارکننده در مدیریت پزشکی داشته و پس از آزادی نتوانسته شغلی پیدا کند و از آنجا که کارفرمایان تمایلی به استخدام شخصی داشته و پس از آزادی نتوانسته شغلی گرفته، ندارند، نتیجه گرفت که تقریباً ۲,۹ میلیون دلار از درآمد خود را در اثر اسارت از دست داده است. محاسبه از دست دادن درآمد بر اساس حقوق ۱۲۵۰۰۰ دلاری او، به اضافه ده درصد افزایش سالانه در زمان آدم‌ربایی، علاوه بر از دست دادن برنامه بازنشستگی و از دست دادن پس‌انداز در دوران اسارت انجام شد. نحوه تعیین خسارات، فرانک رید به این صورت انجام شد که او در زمانی که ربوده شد، در اداره دو مدرسه خصوصی موفق در خارج از بیروت شریک بوده است که سالانه ۱۰۰۰۰۰۰ دلار حقوق می‌گرفته و ۲۵ درصد از اموال و تجارت را در اختیار داشته که به گفته او در مجموع ۵ میلیون دلار ارزش داشته است که به جهت از کارافتادگی، درآمد او به پرداخت ماهانه ۶۲۵ دلار کاهش یافته است. به این ترتیب پانزده سال کار، به اضافه ۲۵ درصد سهم از مدارس و سود آن‌ها که در مجموع بیش از ۲,۷ میلیون دلار از دست داده است. جوزف سیسیپو نیز مستحق دریافت ۸۵۰۰۰۰ دلار به دلیل دستمزدهای از دست رفته و فرصت‌های تجاری گردید. در خصوص خسارت معنوی ناشی از آلام روحی، دادگاه برای دیوید یاکوبسن به مبلغ ۹ میلیون دلار، برای فرانک رید به مبلغ ۱۶ میلیون دلار و برای جوزف سیسیپو به

نگاهی انتقادی به عملکرد تقنینی ایران در مورد مسئولیت مدنی دولت خارجی ... | جنیدی و راضی | ۱۰۳

مبلغ ۲۰ میلیون دلار غرامت تعیین کرد. همچنین دادگاه، با توجه به آنکه خانم سیسیپیو و خانم رید به ترتیب ۶۳ و ۴۴ ماه از همراهی همسرانشان محروم و در آن مدت سختی‌هایی را از جمله عدم اطلاع از وضعیت شوهرشان متحمل شدند، مستحق دریافت ۱۰ میلیون دلار خسارت معنوی برای هر کدام از آنها دانست.

ب) دعوی استنفان فلاتو علیه جمهوری اسلامی ایران و برخی نهادها و مقامات رسمی آن^۱

استنفان فلاتو به عنوان پدر آلیسا میشل فلاتو (متوفی) و مدیر دارایی او و از طرف ورثه متوفی اقدام به طرح دعوی نمود. آلیسا میشل فلاتو مطابق اعلامات پرونده طی عملیات انتحاری جناح شقاقی جهاد اسلامی فلسطین کشته شد.

دادگاه با احراز موارد بند «الف» (۷) ماده ۱۶۰۵ اعلام کرد حمایت از یک گروه تروریستی که باعث آسیب شخصی یا مرگ یک تبعه ایالات متحده می‌شود به تنهایی برای استناد به صلاحیت قضایی کافی است و در محاسبه خسارت معنوی بازماندگان به چند معیار توجه نمود: اول اینکه محاسبه باید بر اساس مدت زمان پیش‌بینی شده رنج باشد؛ به این معنا که ادعای ناراحتی روانی خواهان‌ها باید منعکس‌کننده تداوم درد روانی پیش‌بینی شده بیش از آن چیزی باشد که پس از مرگ طبیعی متوفی تجربه می‌شد و چون در این دعوی، مرگ ناشی از تروریسم رخ داده است، علت مرگ در میزان آسیب روحی و تداوم آن مؤثر است. دوم، ماهیت رابطه میان مدعی و متوفی عامل مهم دیگری در تعیین میزان رنج است. به این معنا که اگر رابطه قوی و نزدیک باشد، احتمال اینکه مدعی دچار ناراحتی روانی ناشی از دست دادن متوفی شود، به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یابد. عوامل متعددی مانند عشق، محبت، همراهی، حمایت و راهنمایی در تحلیل این رابطه دخیل هستند که ارزیابی آن مستلزم بررسی امور ذیل است: روابط عاطفی بین مدعی و متوفی، موقعیت متوفی در ترتیب تولد خانواده نسبت به مدعی، بلوغ یا عدم بلوغ نسبی مدعیان و اینکه متوفی معمولاً به شاکیان مشاوره و تسکین می‌داده است یا خیر، اینکه آیا مدعی، منافع و

1. Stephen M. Flatow, Plaintiff, v. The Islamic Republic of Iran, the Iranian Ministry of Information and Security, Ayatollah Ali Hoseini Khamenei, Ali Akbar Hashemi-Rafsanjani, Ali Fallahian-Khuzestani, and John Does, United States District Court, District of Columbia, 999 F. Supp. 1 (1998), No. 97-396 (RCL), March 11, 1998: <https://law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/999/1/2267352/>

اهداف مشترک با متوقی دارد یا خیر و همچنین دستاوردها و برنامه‌های متوقی برای آینده که بر مدعیان تأثیر می‌گذاشت. گرچه دادگاه اذعان داشت خسارات مذکور را نمی‌توان با قطعیت ریاضی از طریق مدل‌ها و متغیرها محاسبه کرد و دامنه و عدم قطعیت احساسات انسانی چنین محاسبه‌ای را کاملاً نامناسب می‌کند. با این وصف، زیان‌های اقتصادی را می‌توان با معادلاتی تعیین کرد. سرانجام میزان خسارات به این صورت تعیین شد: استفن ام فلاتو (پدر): پنج میلیون دلار، روزالین فلاتو (مادر): پنج میلیون، گیل فلاتو (خواهر): دوونیم میلیون دلار، فرانسین فلاتو (خواهر): دوونیم میلیون دلار، ایلانا فلاتو (خواهر): دوونیم میلیون دلار و ایتان فلاتو (برادر): دوونیم میلیون دلار.

در خصوص بازپرداخت خسارات تنبیهی، اصلاحیه فلاتو در نظر داشت که دادگاه‌ها هزینه‌های مالی قابل توجهی را بر دولت‌های مندرج در فهرست وزارت خارجه این کشور، هم به‌عنوان یک عامل بازدارنده و هم به‌عنوان یک مکانیسم ناتوان‌کننده تحمیل کنند. دادگاه در این دعوا، بدون اینکه مبنا و مستندی ارائه کند، ادعا کرد ایران برای حمایت از فعالیت‌های تروریستی آشکارا ردیفی در بودجه ملی خود دارد و میزان غرامت تنبیهی را به میزان سه برابر هزینه سالانه جمهوری اسلامی ایران برای این نوع فعالیت تعیین کرد. چنین آرایبی که در بردارنده چگونگی تعیین و ارزیابی خسارت هستند، می‌توانند برای دادگاه‌های داخلی به‌عنوان یکی از معیارها در نحوه تقویم خسارات وارد بر اتباع ایرانی که از اقدامات غیرقانونی کشورهای اعمال‌کننده تحریم متحمل زیان شده‌اند مورد ملاحظه قرار گیرند.

۴-۲. تعیین دولت‌های مشمول اقدام متقابل

در حقوق ایران تهیه فهرست دولت‌های مشمول اقدام متقابل و اعلام آن به قوه قضائیه به موجب ماده یک قانون صلاحیت دادگستری بر عهده وزارت امور خارجه نهاده شده است. مسئله‌ای که در این خصوص مطرح می‌شود، میزان التزام و پایبندی دادگاه‌ها به فهرست تهیه‌شده از سوی وزارت امور خارجه است. به این معنا که آیا قاضی ملزم به تبعیت از فهرست مذکور است یا باید آن را به‌مثابه اماره تلقی کرده که صحّت و سقم آن از سوی وی قابل احراز است. برخی دادگاه ایرانی را ملزم به تبعیت از لیست ارائه‌شده از سوی وزارت امور خارجه نموده‌اند تا جایی که اگر دولت خوانده در آن لیست قرار نگرفته

باشد، دادگاه را مکلف به صدور قرار امتناع از رسیدگی می‌دانند.^۱ برخی دیگر بر این عقیده‌اند که اعلام وزارت امور خارجه یک اماره قابل بطلان است و لزوم تبعیت مطلق از فهرست را موجب زائل شدن اعتبار قانونی عملکرد قوه قضائیه در صورتی که اعلام وزارت امور خارجه از نظر دادگاه خلاف واقع باشد، تلقی می‌کنند.^۲ به نظر می‌رسد وجود نام دولت مشمول اقدام متقابل در این فهرست پیش شرط رسیدگی است، ولی دادگاه ناگزیر از تبعیت نمی‌باشد؛ چراکه الزام دادگاه به تبعیت از این فهرست با استقلال قضاوت^۳ تعارض دارد. گرچه در عمل بسیار دور به نظر می‌رسد که وزارت امور خارجه که وظیفه رصد نقض مصونیت دولت جمهوری اسلامی ایران و مقامات آن را به موجب ماده مذکور برعهده دارد و همچنین ابلاغ‌های دادرسی در دعاوی مذکور به موجب ماده ۷۱ آیین دادرسی مدنی از کانال این وزارت عبور می‌کند، فهرستی خلاف واقع تهیه و به قوه قضائیه اعلام کند.

از آنجا که اقامه دعوی و رسیدگی علیه دولت‌های خارجی اعمال‌کننده تحریم صرفاً در قالب اقدام متقابل امکان‌پذیر است و صرف ورود خسارت ناشی از تحریم، مجوزی برای طرح دعوی علیه آن دولت محسوب نمی‌شود، اشخاص باید این حق را داشته باشند پیش از آنکه برای اقامه دعوی اقدام کنند از فهرست کشورهای مشمول عمل متقابل اطلاع یابند تا از اتلاف هزینه و وقت برای اقامه دعوی جلوگیری شود. نظر به این که درج نام کشور طرف دعوی در فهرست اعلامی وزارت خارجه پیش شرط اقامه دعوی است، این فهرست بی‌تردید در تصمیم اشخاص برای اقامه دعوی مؤثر خواهد بود. در حال حاضر به

۱. تدینی، عباس؛ سید مصطفی کازرونی، «بررسی تطبیقی قوانین مصونیت دولتی جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا با توجه به دستبرد ۲ میلیارد دلاری ایالات متحده بر اموال ایران»، مطالعه حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲، (۱۳۹۵)، ص ۴۶۶.

۲. ظاهری، علیرضا، «تحولات قاعده مصونیت دولت: تأثیر قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران و قانون مبارزه با تروریسم ایالات متحده آمریکا»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره سی‌ام، ب (هار ۱۳۸۳)، ص ۱۴۶.

۳. استقلال قضاوت دارای دو رویکرد استقلال قوه قضائیه و استقلال قاضی است. استقلال قوه قضائیه از اصل تفکیک قوا نشأت می‌گیرد و به معنای استقلال قوای بیرونی است که البته این دستگاه نیاز دارد از درون نیز برای احقاق حقوق عامه مستقل باشد که استقلال قاضی مطرح می‌شود. غمامی، مجید؛ حسن محسنی، «رابطه میان استقلال قضاوت و استقلال و کالت»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۲، (تابستان ۱۳۹۴)، ص ۳۰۲.

موجب ماده ۱ قانون فوق، فهرست تهیه شده صرفاً به قوه قضائیه اعلام می شود که با توجه به دلایل پیش گفته، شایسته است این فهرست به صورت عمومی انتشار یابد.

۳. عملکرد تقنینی ایران در تعیین مرجع صالح و قانون حاکم در دعوی مسئولیت دولت خارجی

یکی از مباحث مهم در دعاوی مسئولیت دولت خارجی، تعیین مرجع صالح و قانون حاکم در رسیدگی به این نوع دعاوی است. از آنجا که بررسی صلاحیت دادگاه مقدم بر تعیین قانون حاکم است و به عبارتی، محاکم پس از احراز صلاحیت خود، قانون حاکم را برای رسیدگی ماهوی به دعوی انتخاب می کنند، ابتدا عملکرد تقنینی ایران در تعیین مرجع صالح داخلی در اقامه دعوی مسئولیت دولت خارجی و سپس قانون حاکم در این دعاوی در دو بند بررسی می شود.

۳-۱. مرجع صالح داخلی در اقامه دعوی مسئولیت دولت خارجی

در دعاوی مسئولیت مدنی در صورت وجود عنصر خارجی، مسئله تعارض دادگاه ها و ضرورت تعیین دادگاه صالح مطرح می شود و شعبه مرجوع الیه مقدم بر انتخاب قانون حاکم، نسبت به صلاحیت یا عدم صلاحیت خود اظهار نظر می کند. قواعد مربوط به تعارض دادگاه ها، مسائل مربوط به صلاحیت دادگاه و آیین دادرسی را حل می کنند و به جهت اینکه مسئله صلاحیت قضایی اصولاً جزء امور حاکمیت ملی تلقی می شود و دارای جنبه عمومی و گاه سیاسی است، قانونی جز قانون کشور متبوع دادگاه واجد صلاحیت تلقی نمی شود.^۱ طبق ماده ۹۷۱ قانون مدنی که از قواعد حل تعارض محسوب است، «دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می شود و مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود». طبق این ماده، دادگاه ایرانی برای تعیین دادگاه صالح در دعاوی به طور عام و دعاوی مسئولیت مدنی که دعوی تحریم دست کم از منظر جبران خسارت می تواند یکی از مصادیق آن باشد، اصولاً و در نبود قانون خاص باید به قانون محل که همان قانون آیین دادرسی مدنی است، مراجعه کند. بنابر ماده ۱۱ این قانون، در خصوص تعیین دادگاه

۱. الماسی، نجادعلی، تعارض قوانین، چاپ بیست و دوم، (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۱)، ص ۱۲.

صالح در زمینه تعهدات غیرقراردادی یا همان ضمان قهری، دادگاه محل اقامت خواننده صالح به رسیدگی است و در عرض این دادگاه، معیار دیگری برای تعیین صلاحیت (دادگاه صلاحیت دار) در دعاوی مسئولیت مدنی پیش بینی نشده است،^۱ اما به موجب همین ماده، در صورتی که محل اقامت خواننده در ایران نباشد، به عنوان دادگاه جایگزین و در طول آن، به ترتیب دادگاه محل سکونت خواننده، محل وقوع مال غیرمنقول و در نهایت محل اقامت خواهان صالح به رسیدگی است و این گونه دادگاه ایرانی صلاحیت خود را برای رسیدگی به این دعوی احراز می کند. گرچه انتظار می رفت قانون گذار ایرانی برای گسترش صلاحیت دادگاه در دعاوی مربوط به تعهدات غیرقراردادی یا ضمان قهری، معیارهای مهم تری در عرض صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده، برای تعیین دادگاه صالح ارائه دهد. همان طور که طبق مفاد بند ۳ ماده ۵ مقرر بر و کسل ۱، دادگاه های دیگری در عرض دادگاه محل اقامت خواننده که دارای عوامل ارتباطی با این موضوع هستند مانند دادگاه محل وقوع فعل زیانبار، دادگاه محل بروز حادثه و ورود خسارت صالح به رسیدگی شناخته شده است؛ زیرا چه بسا شرایط رسیدگی در این دادگاه ها بهتر از دادگاه محل اقامت خواننده فراهم باشد و امکان رسیدگی عادلانه بیشتر مهیا شده باشد.^۲

قطع نظر از تحلیل فوق در مورد دادگاه صلاحیت دار جهت رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی به طور عام، برای تعیین دادگاه صالح در دعاوی مسئولیت ناشی از تحریم، قانون صلاحیت دادگستری ایران به عنوان قانون خاص در این زمینه در ماده یک، دادگستری تهران را صالح برای رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت های خارجی، شناخته است. همچنین در ماده ۲۴ «قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» دعاوی ناشی از تحریم های غیرقانونی به صراحت بیان و قوه قضائیه موظف شده است شعبه و یا شعب ویژه ای را به منظور رسیدگی

برای دیدن موضع حقوق ایران و دیگر نظام های حقوقی در مورد تعارض صلاحیت های قضایی در دعاوی مسئولیت مدنی و ضمان قهری ر. ک.:: لعیا جنیدی؛ زهرا فریور، «تعارض صلاحیت محاکم خارجی در دعاوی مسئولیت مدنی و قراردادی»، فصلنامه دولت و حقوق، شماره ۳، (۱۴۰۰)، صص. ۶۱-۷۵

۲. مافی، همایون، سید حسن حسینی مقدم، «دادگاه صالح در حل و فصل اختلافات ناشی از تعهدات غیرقراردادی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره یک، (۱۳۹۶)، ۱۳.

به شکایات کسانی که از ناحیه تحریم‌ها یا اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا خسارت دیده‌اند، اختصاص دهد.

بنابراین به موجب قواعد عمومی، در دعاوی ناشی از ضمان قهری اگر محل اقامت خواننده در ایران نباشد، به عنوان دادگاه جایگزین و در طول آن، به ترتیب دادگاه محل سکونت خواننده، محل مال غیرمنقول و در نهایت محل اقامت خواهان صالح به رسیدگی است؛ یعنی شخص متضرر از تحریم، مطابق قواعد عمومی صلاحیت دادگاه‌ها، دست کم در بُعد مسئولیت مدنی ناشی از تحریم، در نهایت می‌تواند به دادگاه محل اقامت خود مراجعه کند، اما قانون صلاحیت دادگستری که قانون خاص محسوب می‌شود، عرصه تعیین دادگاه صالح داخلی برای طرح این نوع دعاوی را محدودتر کرده و صرفاً دادگستری تهران با شعب ویژه را صالح به رسیدگی دانسته است. در حالی که توسعه صلاحیت دادگاه‌های داخلی به منظور فراهم کردن سهولت در دسترسی زیان‌دیدگان ناشی از تحریم به دادگاه‌های واقع در سایر استان‌ها، خصوصاً به جهت اهمیت ملی این دعاوی برای مستندسازی خسارات ناشی از تحریم‌ها مهم و ضروری است تا اشخاص زیان‌دیده بتوانند به راحتی به سایر دادگاه‌های داخلی ایران برای دادخواهی مراجعه کنند.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد وجود شعب تخصصی دست کم در سطح استان‌ها و با ارائه آموزش‌های لازم به قضات مرجح باشد.

۲-۳. تعیین قانون حاکم در دعاوی مسئولیت دولت خارجی

پس از احراز صلاحیت دادگاه ایرانی برای رسیدگی به دعاوی مسئولیت ناشی از تحریم، این بحث مطرح می‌شود که قانون حاکم برای رسیدگی به این دعاوی کدام است. قانون صلاحیت دادگستری، بدون آنکه حکمی در این خصوص مقرر کرده باشد، صرفاً در ماده ۱ بیان می‌کند: «دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است ... طبق قانون حکم مقتضی صادر نماید». در دعاوی مسئولیت مدنی به طور عام به دلیل این که موضوع جبران خسارت ماهیتاً در حوزه حقوق مدنی و دارای طبع حقوق خصوصی است، با نگرش تعارضی و بر مبنای نظریه تعارض قوانین باید تعیین تکلیف شود. به بیان دیگر، در دعاوی مسئولیت مدنی واجد عنصر خارجی، شعبه مرجوع‌الیه لاجرم باید با استفاده از قواعد حل تعارض مقر خود قانون حاکم را به دست آورد. در خصوص قوانین شکلی رسیدگی، بنابر ماده ۹۷۱ قانون مدنی، محلی که دعوی در آنجا اقامه می‌شود یعنی قانون مقر دادگاه، صالح است. بی تردید، فرآیند یک

دادرسی منتهی به صدور حکم باید به گونه‌ای طی شود که تمام اصول دادرسی به درستی رعایت شده و از هرگونه ادعای نقض از جمله عدم رعایت بی طرفی، عدم ابلاغ مناسب و مانند آن مصون بماند تا علاوه بر آنکه آرای صادره از دادگاه‌های ایرانی در عرصه بین‌المللی دارای اعتبار باشند، امکان شناسایی و اجرای آن در یک کشور خارجی مهیا شود.

پس از روشن شدن قانون شکلی حاکم بر دعوی، اصولاً بحث تعیین قانون ماهوی برای رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی مطرح می‌شود. قاضی باید با توصیف موضوع دعوای مطروحه، دسته ارتباط را برای مراجعه به قواعد حل تعارض پیدا کند. دعاوی تحریم در نگاه اول، ناظر به مسئولیت دولت خارجی تحریم کننده و مطالبه خسارات ناشی از آن است و به تبع، باید در دسته ارتباط ضمان قهری یا الزامات خارج از قرارداد قرار گیرد. در حقوق ایران قاعده حل تعارض خاص برای دسته ارتباط ضمان قهری پیش‌بینی نشده است. در زمینه تعارض قوانین در مسئولیت مدنی نظریه‌های متعددی مطرح است از جمله نظریه قانون مقر دادگاه، نظریه قانون محل وقوع خسارت و عمل زیان‌بار که بررسی آن‌ها، از مجال این پژوهش خارج است.^۱ حال دادگاه برای رسیدگی به دعاوی ناشی از تحریم به کدام قانون باید مراجعه کند. به نظر برخی اساتید در مورد اینکه چه قانونی در نهایت به عنوان قانون صالح انتخاب می‌شود، باید به این مسئله نگاه کرد که موضوع بیشتر جنبه سیاسی دارد یا اینکه ماهیت حقوقی آن غلبه دارد؛ چراکه مسئولیت مدنی دارای هر دو جنبه است به این بیان که از یک سو به جهت رابطه نزدیک مسئولیت مدنی به قوانین کیفری و انتظامی دارای جنبه سیاسی و یا ملاحظاتی فراحقوقی است و از سوی دیگر به جهت ماهیت مدنی و طرفین خصوصی آن دارای جنبه حقوقی است.^۲

بنابراین به منظور انتخاب قانون مناسب برای رسیدگی به دعاوی مسئولیت ناشی از تحریم، باید نکاتی را مدنظر قرار داد: یکم؛ با مطالعه قوانین متعدد در زمینه مسئولیت دولت خارجی که به فراخور هر بحث مورد اشاره واقع شد و همچنین مشروح مذاکرات مجلس برای تصویب آن‌ها که غالباً در واکنش به قوانین ایالات متحده آمریکا علیه ایران وضع

۱. برای مطالعه تفصیلی این مباحث رجوع شود به: ایرانپور، فرهاد؛ سیدمحمد طباطبایی نژاد، تعارض قوانین در مسئولیت مدنی، چاپ اول، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶).

۲. همان، ص ۱۹۸.

گردیده است، روشن می‌شود که به دلیل جنبه سیاسی موضوع، در ابعادی طبع عمومی مقررات مسئولیت مدنی دولت خارجی پیش‌بینی شده در این قوانین بر جنبه خصوصی آن غلبه دارد. با توجه به این رویکرد، فرای نگرش تعارضی و با چشم‌پوشی از نظریه تعارض قوانین، اعمال قانون ایران به عنوان قانون سرزمینی مطابق اصل است. اگر به دلیل طبقه‌بندی کلاسیک دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از تحریم در دسته ضمان قهری، همچنان قائل به اعمال نظریه تعارض قوانین باشیم، بی‌تردید، قانون محل ورود خسارت بر قانون محل وقوع فعل زیان‌بار که کشور تحریم‌کننده است ارجحیت دارد؛ زیرا در غیر این صورت نقض غرض خواهد شد.

دوم؛ قطع نظر از جنبه عمومی و سیاسی موضوع و با فرض قابلیت اعمال نگرش تعارضی، حکومت قانون محل ورود خسارت که قانون ایران است، «به‌عنوان محلی که در زمان وقوع فعل زیان‌بار، زیان‌دیده یا منافع متعلق به او در آنجا قرار دارد، عادلانه‌تر است که زیان‌دیده به‌عنوان عنصر منفعل بتواند بر قانون کشور محل وقوع خسارت تکیه کند، تا اینکه عامل زیان به‌عنوان عنصر فعال بتواند بر قانون کشوری تکیه نماید که در آن اقدامات خود را ترتیب می‌دهد»^۱.

سوم؛ انتخاب قانون محل وقوع فعل زیان‌بار که همان قانون کشور تحریم‌کننده است، موجب می‌شود که برای بررسی موضوع و احراز وصف متخلفانه تحریم‌های بین‌المللی و سایر ارکان مسئولیت مثلاً به قانون آمریکا به‌عنوان کشوری که تحریم‌های یک‌جانبه و نامشروع علیه ایران اعمال کرده است، مراجعه شود که نتیجه‌ای جز مشروعیت و قانونی شمردن اعمال تحریم‌ها و عقیم ماندن این دعوی نخواهد داشت.

بنابراین با لحاظ نکات فوق، دادگاه ایرانی باید با اعمال قانون ایران به‌عنوان مقررات سرزمینی و با فرض قابلیت اعمال نگرش تعارضی، به‌عنوان قانون محل ورود خسارت و مقر دادگاه، البته با لحاظ حقوق بین‌الملل در تعیین مصداق فعل متخلفانه بین‌المللی گام بردارد؛ چراکه قانون‌گذار ایرانی، طبق ماده یک قانون صلاحیت دادگستری طرح دعوی را برای مقابله و جلوگیری از نقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل با اقدامات دولت‌های خارجی مجاز نموده است.

۴. خلأهای موجود در عملکرد تقنینی ایران

مطالعه و بررسی قوانین متعدد موجود در خصوص مسئولیت دولت‌های خارجی، نشان می‌دهد که این قوانین غالباً فاقد دقت کافی، بدون ابتنا بر نظرات کارشناسی و رعایت اصول قانون‌نویسی نگارش شده‌اند. تجمیع این قوانین که بعضاً دارای موضوعات یکسان است در یک قانون منسجم با رعایت اصول دقیق قانون‌نویسی و با ابتنا بر نظرات کارشناسی و نه صرفاً به هدف پاسخ سریع به اقدامات آمریکا مورد نیاز است. در مبحث قبلی عملکرد تقنینی ایران در اهم موضوعاتی که در قوانین مورد اشاره وجود داشت، به صورت تحلیلی بررسی شد، حال در این مبحث برخی از خلأهای موجود در این قوانین مطرح می‌شود.

۴-۱. تقویت امکان طرح دعوی گروهی^۱

در بسیاری از کشورها، افراد، سازمان‌های مردم‌نهاد^۲ و مقامات دولتی به نمایندگی از شهروندانشان برای جبران خسارت‌های انبوه به دادگاه‌ها مراجعه می‌کنند.^۳ دعوای گروهی یکی از نهادهایی است که در کشورهای خارجی به ویژه آمریکا شناخته شده است.^۴ مقدمه قانون انصاف در دعوی گروهی آمریکا^۵ مصوب ۲۰۰۵، دعوی گروهی را اینگونه توصیف می‌کند: «تجویز حل منصفانه و کارآمد دعوای اشخاص متعدد در یک دعوای واحد علیه خواننده‌ای که ادعا می‌شود موجب ورود زیان شده است، بخش مهم و ارزشمند سیستم قضایی است». حال تقویت دعوی گروهی در دعوای مسئولیت ناشی از تحریم به جهت تعداد زیاد خواهان‌ها و خسارات گسترده وارد شده به بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی، مفید به نظر می‌رسد که نیازمند روشن شدن مفهوم دعوی گروهی و امکان‌سنجی استفاده از آن در دعوای مطالبه خسارت ناشی از تحریم است.

1. Class actions

2. Nongovernmental Organizations (NGO)

3. Hensler, Deborah, "The Globalization of Class Actions", *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, Vol. 622 (1), (March 2009), p.7.

4. Pace, Nicholas M., *Class Actions in the United States of America: An Overview of the Process and the Empirical Literature*, (RAND Institute for Civil Justice, California, U.S.A, 2007), p.2.

5. Class Action Fairness Act of 2005, (1) (a) SEC. 2.

۱-۱-۴. مفهوم دعوی گروهی

اشخاص اصولاً به صورت انفرادی اقدام به طرح دعوی در مراجع صالح می‌کنند، لیکن در برخی موارد با هدف افزایش انگیزه در مطالبات جزئی، صرفه اقتصادی در پرداخت هزینه‌های دادرسی، افزایش کارایی فرآیند حقوقی و استفاده بهینه از زمان، طرح دعوی به صورت گروهی را برمی‌گزینند.^۱ دعوی گروهی دعویی است که خواهان‌های آن دارای منافع مشترک در اقامه آن هستند و یک موضوع مشابه علیه خوانده واحد، مورد درخواست آن‌ها است.^۲ در دعوی گروهی، یک یا چند نفر به‌عنوان نماینده خواهان‌ها از طرف خود و افراد گروه که ادعای جبران خسارت مشابهی دارند، اقامه دعوی می‌کنند و کنترل دعوی به طور رسمی به آن‌ها محول می‌شود. اعضای گروه معمولاً مشارکت فعالی در آن دعوا ندارند و در عین حال متعهد به نتیجه دعوا در مورد موضوعات مشترک خواه به نفع گروه یا به ضرر گروه هستند.^۳

دعوی گروهی در کشور آمریکا یک نهاد شناخته شده است. از شرایط طرح این دعوی، به موجب ماده ۲۳ قانون فدرال آیین دادرسی مدنی آمریکا^۴ وجود خواهان‌های متعدد است که دارای خواسته مشترک هستند و منافع گروه در یک راستا قرار می‌گیرد، به نحوی که اقدام از طریق نماینده، در غیاب برخی از خواهان‌ها منافع کسی را به خطر نمی‌اندازد. نماینده باید شایستگی لازم را داشته باشد؛ یعنی کسی که به‌عنوان نماینده اقدام می‌کند باید دارای اطلاعات کافی بوده و با احاطه بر موضوع، امور را تحت کنترل خود درآورد و از آنجا که عنصر نمایندگی در این نوع دعاوی به‌عنوان بخشی از تشریفات قانونی است، موجب می‌شود که نتیجه آن، بر اعضای غائب نیز بار شود. همچنین در مواردی که طرح دعوی گروهی به منظور مطالبه خسارت انجام می‌گیرد، غلبه مسائل مشترک بر مسائل انفرادی و برتری اقامه این نوع دعوی بر دادرسی انفرادی باید احراز شود.

حال پس از روشن شدن مفهوم دعوی گروهی، امکان استفاده از این نوع دعوی در دعاوی تحریمی بررسی می‌شود.

1. Udvary, Sandor, *The Advantages and Disadvantages of Class action*, Iustum Aequum Salutare IX. (2013), p. 75.

2. Murphy, Bernard & Camille Cameron, "Access to Justice and the Evolution of Class Action Litigation", *Melbourne University Law Review*, Vol 30, (2006), p.402.

3. Op.cit, p.8.

4. US Federal Rules of Civil Procedure Rule 23.

۲-۱-۴. استفاده از دعوی گروهی برای مطالبه خسارات ناشی از تحریم

به طور معمول مراجعه به دادگاه برای استیفای حقوق، زمانی صورت می‌گیرد که نتیجه بالقوه حاصل از اقامه دعوی بیش از هزینه‌هایی باشد که خواهان متحمل می‌شود. به عبارت دیگر در تحلیل اقتصادی که خواهان برای اتخاذ تصمیم طرح دعوی انجام می‌دهد، اقامه دعوی باید کارایی لازم را داشته باشد و اگر احتمال کارآمدی و خروجی دعوی را پایین بداند، معمولاً مطالبه حق خود را از طریق مرجع قضایی به جهت صرف وقت و خسارات دادرسی از جمله هزینه دادرسی، حق الزحمه کارشناسی و حق الوکاله وکیل پیگیری نخواهد کرد. در دعاوی خسارات ناشی از تحریم، به جهت اینکه خواننده دعوی دولت خارجی و مقامات رسمی آن است، حتی در فرضی که حکم دادگاه به نفع خواهان صادر شود، حصول نتیجه مورد انتظار خواهان به جهت مشکلات موجود در اجرای آرای صادره از جمله عدم دسترسی به اموال خواندگان، فراهم نیست و همین مسئله، خواهان‌های بسیاری را از طرح این دعوی منصرف می‌کند، خصوصاً زیان‌دیدگانی که در خارج از تهران اقامت دارند که طبق ماده یک قانون صلاحیت دادگستری برای طرح دعوی باید به دادگستری تهران، مراجعه کنند و هزینه مضاعفی را برای ایاب و ذهاب متحمل شوند. این در حالی است که وجود چنین آرای در چارچوب اقدام متقابل در مقابل آرای متعدد صادره در دادگاه‌های داخلی آمریکا دست کم در مستندسازی خسارات ناشی از تحریم اهمیت دارد.

بنابراین امکان طرح دعوی گروهی در دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از تحریم مزایایی از جمله کاهش خسارات دادرسی در تجمیع پرونده‌های متعدد در یک دعوی، کاهش زمان رسیدگی به یک دعوی به جای چندین دعوی، جلوگیری از صدور آرای متناقض در دعاوی با موضوع واحد را دربردارد. علاوه بر این تعدد خواهان‌های موجود در طرح دعوی علیه خواننده یکسان، تبدیل به اهرمی قدرتمند می‌شود تا خواننده این اقدام را جدی‌تر گرفته و چه بسا دعوی را به سوی حل و فصل آن سوق دهد. در نهایت، با توجه به اینکه دعوی گروهی به نمایندگی دنبال می‌شود، پیگیری دعوی از طریق یک یا چند نماینده که هم از طرف خود و هم از طرف خواهان‌های متعدد کنترل دعوی را به دست می‌گیرند، برای ذی‌نفعانی که در خارج از تهران اقامت دارند و در دسترسی به دادگستری تهران با مشکل مواجه می‌شوند از دیگر مزایای این نوع دعوی است.

وجود برخی نصوص در قوانین موجود، نشان می‌دهد که حقوق ایران با این موضوع بیگانه نیست. در مبحث ابلاغ علیه اشخاص نامحصور، موضوع ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران مفاد دادخواست از طریق آگهی به اهالی معین و افرادی که خواهان آن‌ها را معارض خود معرفی می‌کند ابلاغ می‌شود^۱ و حکم صادره در این دعوی علیه اشخاص غیرمحصور ولو آنکه نام آن‌ها صریحاً ذکر نشده و در جلسه غائب باشند معتبر است.^۲ موضوع نمایندگی در دعاوی گروهی را نیز تا حدودی در تشکلهای کارگری قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ و انجمن حمایت از مصرف‌کنندگان موضوع ماده ۱۴ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ می‌توان یافت.

بنابراین با توجه به سوابق قانون‌گذاری در ایران و تعداد بالای متضرران از تحریم، عدم انگیزه کافی برای طرح دعوی انفرادی به جهت مشکلات موجود در اجرای آراء، از جمله اموری است که زمینه طرح دعوی گروهی را تقویت می‌کند. با فراهم ساختن امکان طرح دعوی گروهی، از تشکیل پرونده‌های متعدد تحریمی جلوگیری شده و مسیر دادرسی به نحو مشترک نسبت به خواهان‌ها طی می‌شود و دادگاه با رویکردی واحد به موضوعات مشترک رسیدگی و حکم مقتضی را صادر کند؛ لذا پیش‌بینی تقنینی دعاوی گروهی متناسب با حقوق داخلی و با ابتنا بر نظر کارشناسان و سامان‌دهی آن‌ها در دادگاه‌های ایران ثمربخش خواهد بود.

۲-۴. وضع مقررات مقابله با اعمال تحریم‌های فراسرزمینی

با افزایش استفاده از ابزار تحریم‌های فراسرزمینی توسط ایالات متحده آمریکا برای تحت فشار قرار دادن کشورهای دیگر به منظور انزوای اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی مورد تحریم، ابتدا اتحادیه اروپا و سپس کشور چین قوانین انسداد را به هدف خنثی‌سازی این تحریم‌ها و حمایت از توسعه، امنیت و حاکمیت خود وضع کردند که پیروی آن، ضمن اعلام موضع نسبت به نامشروع دانستن این تحریم‌ها، از اتباع حقیقی و حقوقی خود حمایت

۱. نهرینی، فریدون، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ دوم (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۰)، ص ۳۸۲.

۲. احمدی، خلیل، «مطالعه تطبیقی مفهوم و انواع دعاوی بین اشخاص مختلف»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۴، (۱۳۹۳)، ص ۱۲.

کردند؛ لذا ابتدا قوانین انسداد فوق و مقایسه آنها تبیین و سپس عملکرد تقنینی ایران در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۴. قوانین انسداد اتحادیه اروپا و چین

اتحادیه اروپا با اعلام اینکه اعمال فراسرزمینی تحریم‌های ثانویه، ناقض حقوق بین‌الملل و مانع توسعه متوازن تجارت و جریان آزاد سرمایه میان دولت‌های عضو اتحادیه و دولت‌های ثالث در عرصه بین‌المللی است، در ۶ ژوئن ۲۰۱۸ نسبت به به‌روزرسانی دستورالعمل شورای اتحادیه اروپا که در پاسخ به تحریم‌های آمریکا علیه ایران، کوبا و لیبی در سال ۱۹۹۶ میلادی صادر شده بود،^۲ اقدام نمود با این هدف که آثار اعمال فراسرزمینی قوانین کشور ثالث را خنثی و از منافع مالی اشخاص حقیقی و حقوقی اروپایی در مقابل پیامدهای اجرای فراسرزمینی آن دسته از قوانین تحریمی آمریکا که نام آنها در ضمیمه دستورالعمل فهرست شده، حمایت کند.

براساس این مقرره، اشخاص حقیقی و حقوقی اروپایی نباید از محدودیت‌های ناشی از قوانین تحریمی فراسرزمینی کشورهای ثالث (از جمله آمریکا) تبعیت کنند (ماده ۵) و اشخاصی که به علت عدم رعایت قوانین تحریمی کشور ثالث مورد مجازات قرار گیرند و متحمل خسارت شوند، می‌توانند در نزد دادگاه‌های کشورهای عضو طرح دعوا کرده و مطالبه خسارت کنند (ماده ۶). البته زمانی که منفعت اشخاص یا اتحادیه اروپا به علت عدم تبعیت از قوانین تحریمی فوق‌الذکر به‌طور جدی در معرض مخاطره قرار گیرد با رعایت معیار و ترتیبات خاصی، کمیسیون اروپا می‌تواند مجوز تبعیت از قوانین تحریمی را به‌طور موردی طبق بند ۲ ماده ۵ صادر کند. علاوه بر موارد فوق، به موجب ماده ۴ این مقرره،

1. Commission Delegated Regulation (EU) 2018/1100 of 6 June 2018, amending the Annex to Council Regulation (EC) No 2271/96 protecting against the effects of extra-territorial application of legislation adopted by a third country and actions based thereon or resulting therefrom:

<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/PDF/?uri=CELEX:32018R1100&from=EN>

2. Council Regulation (EC) No 2271/96 of 22 November 1996, protecting against the effects of the extraterritorial application of legislation adopted by a third country, and actions based thereon or resulting therefrom

<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/PDF/?uri=CELEX:31996R2271&from=EN>

احکام قضایی صادره از دادگاه‌ها، دیوان‌ها و تصمیم‌های اداری خارج از اتحادیه که به قوانین تحریمی اثربخشی می‌دهند، در اتحادیه اروپا قابل شناسایی و اجرا نیستند. دادگاه دادگستری اتحادیه اروپا در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۲۱ پیرو درخواست دادگاه عالی منطقه‌ای هامبورگ برای ارائه تفسیر از مقررات انسداد این اتحادیه در دعوی بانک ملی ایران علیه تلکام دویچه‌لند آلمان به علت خاتمه همکاری طرف خارجی متأثر از تحریم‌های ثانویه آمریکا، اعلام کرد: بر اساس ماده ۵ قانون انسداد، اشخاص مندرج در ماده ۱۱ این قانون، از رعایت الزامات یا ممنوعیت‌های مقررات کشور ثالث (تحریم‌های ثانویه)، حتی در صورت عدم وجود دستور مستقیم از سوی مقامات اداری یا قضایی آن کشور منع می‌شوند و نمی‌توانند قراردادهای منعقد شده با اشخاص تعیین شده در لیست تحریم‌ها را بدون ارائه دلیل موجه و صرفاً به دلیل واهمه از مجازات و تحریم‌های کشور ثالث لغو کنند. همچنین دیوان تبیین کرد، در ارزیابی تناسب در مواردی که عدم خاتمه قرارداد، آثار نامناسبی را برای آن شخص و منافع اتحادیه اروپا به دنبال دارد، لازم است دستیابی به اهدافی که با فسخ قرارداد، محقق می‌شود با زیان اقتصادی شخص مورد نظر، در صورتی که نتواند رابطه تجاری خود را با شخصی که در فهرست افراد تحریم شده قرار دارد خاتمه دهد، سنجیده شود.^۱ گرچه طبق این تفسیر، فسخ قرارداد توسط شرکت تلکام دویچه‌لند بدون ارائه دلایل موجه و پس از اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا علیه ایران ممکن است مغایر ماده ۵ مقررات انسداد اتحادیه اروپا تلقی شود، ولی در مجموع پیش‌بینی امکان معافیت از مقررات بازدارنده در خود این مقررات و نیز امکان پذیرش نامتناسب بودن زیان اقتصادی ناشی از عدم رعایت تحریم‌های ثانویه کشور ثالث علی‌رغم عدم تحصیل قبلی معافیت از رعایت مقررات بازدارنده، می‌تواند کارکرد موثر این مقررات را کاهش دهد. با وجود این، در نهایت دادگاه منطقه‌ای هامبورگ بار در درخواست تجدیدنظر تلکام دویچه‌لند به نفع بانک ملی رأی داد و شرکت مذکور را ملزم به فعال سازی مجدد خدمات شعب بانک‌های ایرانی در آلمان نمود.^۲

1. Case C-124/20, Bank Melli Iran v. Telekom Deutschland GmbH, JUDGMENT OF THE COURT (Grand Chamber), 21 December 2021, para 96.

2. <https://financialtribune.com/articles/business-and-markets/115546/hamburg-court-rules-in-favor-of-bank-melli>

دولت چین نیز در تاریخ ۱۱ ژانویه ۲۰۲۱ مقررات مقابله با اجرای فراسرزمینی غیرموجه قوانین خارجی را که ناقض حقوق بین الملل و اصول پایه روابط بین الملل (از جمله احترام متقابل به حاکمیت، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، برابری و منافع متقابل) است، وضع نمود^۱ که علی رغم شباهت با نسخه اروپایی آن، تفاوت های جزئی به چشم می خورد؛ از جمله امکان توسل به اقدامات متقابل از سوی دولت چین در واکنش به اعمال فراسرزمینی تحریم های یک جانبه که در ماده ۱۲ این مقررہ پیش بینی شده است. همچنین در مقررات بازدارنده اتحادیه اروپا فهرست خاصی از قوانین فراسرزمینی خارجی پیوست آن گردیده است (مواد ۱ و ۴) در حالی که قانون بازدارنده چین معیارهای کلی^۲ برای تشخیص و صدور دستور منع^۳ نسبت به قوانین و تحریم های خارجی ارائه می دهد تا کمیته «مکانیزم کار» در صورت احراز آنها در هر مورد با صدور دستور منع، آن مورد را به دایره شمول این قانون بیفزاید (مواد ۶ و ۷). حال پس از بررسی مواد قوانین بازدارنده و روشن شدن نکات اشتراک و افتراق آنها، عملکرد تقنینی ایران در این خصوص بیان می شود.

۲-۲-۴. عملکرد تقنینی ایران در مقابله با تحریم های فراسرزمینی

در حقوق ایران برای مقابله با تحریم های فراسرزمینی، گرچه قانون مستقل با تعیین چارچوب و بیان جزئیات کامل آن، پیش بینی نشده است، اما در بخش هفتم قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه مصوب ۱۳۹۶ ذیل عنوان «مقابله با تحریم های اقتصادی آمریکا» موادی وضع گردیده است که رویکرد مقررات بازدارنده مورد اشاره در آن یافت می شود.

عنوان و هدف کلی بخش هفتم این قانون، همانند مقررات بازدارنده اروپا و چین مقابله با تحریم های فراسرزمینی آمریکا است تا زمینه قانونی برای عدم تبعیت از تحریم های

1. <http://english.mofcom.gov.cn/article/newsrelease/significantnews/202101/20210103031442.shtml>

۲. این معیارها عبارتند از: ۱. بررسی نقض حقوق بین الملل یا اصول پایه حقوق بین الملل به واسطه قانون یا تحریم خارجی؛ ۲. بررسی اثرگذاری اعمال تحریم های فراسرزمینی بر حاکمیت ملی، امنیت و منافع توسعه چین؛ ۳. بررسی تأثیر بالقوه این تحریم ها بر حقوق و منافع قانونی شهروندان، اشخاص حقوقی یا سایر سازمان های چین؛ ۴. سایر عواملی که باید در نظر گرفته شود که بیانگر تمثیلی بودن معیارها است. در نهایت باید اشاره کرد کمیته «مکانیزم کار» اختیار تعلیق یا لغو احکام منع را نیز دارد (ماده ۷ مقررات بازدارنده چین).

فراسرزمینی، همکاری با کشورهای مورد تحریم و حمایت از اتباع که در اثر این همکاری مورد مجازات قرار می‌گیرند فراهم کند. این مهم، از مواد ۱۸ الی ۲۱ قانون ایران، به شرح زیر قابل استنباط است:

دولت ایران طبق ماده ۱۸ موظف به افزایش همکاری‌های خود با کشورهایی شده است که با تحریم‌های غیرعادلانه آمریکا مواجه هستند. ماده ۲۱ نیز ضمن اعلام صریح موضع ایران در نامشروع خواندن تحریم‌های آمریکا، به هدف گسترش عدم تبعیت از تحریم‌های آمریکا مقرر می‌دارد «در تنظیم برنامه‌ها و تعاملات تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به شرکت‌هایی اولویت دهد که از اینگونه تحریم‌ها تبعیت نمی‌کنند». این مواد در واقع دربردارنده همان حکم قوانین انسداد در خصوص عدم تبعیت از تحریم‌های فراسرزمینی کشور ثالث از طریق همکاری با کشورهای مورد تحریم به منظور خنثی کردن تحریم‌های ثانویه است.

طبق ماده ۲۰ قانون مذکور، وزارت‌های امور اقتصادی و دارایی و امور خارجه مشترکاً موظف شده‌اند که تمهیدات اقتصادی، سیاسی، حقوقی و بین‌المللی لازم را برای حمایت از اشخاص ایرانی که به تبع فعالیت‌های اقتصادی خود مورد تحریم آمریکا قرار گرفته‌اند، اتخاذ نموده و اقدامات لازم را انجام دهند و نتیجه را به کمیسیون‌های اقتصادی و امنیت ملی و سیاست خارجی و قضایی و حقوقی مجلس گزارش نمایند. این ماده نیز قابل تطبیق با مواد قوانین انسداد برای حمایت از اتباعی است که به جهت عدم تبعیت از تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا مورد مجازات اقتصادی این کشور قرار گرفته‌اند. گرچه در این ماده برخلاف مقرره اتحادیه و چین جزئیات و چگونگی به اجرا گذاشتن این حمایت روشن نیست.

در ماده ۱۹، وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف شده است «برنامه جامع مقابله با تحریم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، راهکارهای پیشگیری و کاهش آثار ناشی از آن» را به کمیسیون‌های امنیت ملی و سیاست خارجی و اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه کند که این ماده حاوی برخی ملاحظات قوانین بازدارنده در مورد مقابله با تحریم‌های آمریکا به جهت کاهش آثار ناشی از آن است؛ لیکن جزئیات این برنامه به دلیل آنکه صرفاً به مراجع نامبرده ارائه می‌شود، مشخص نیست که شایسته است جز در موارد محرمانه، جزئیات این برنامه روشن شود.

بنابراین در مواد مذکور، مقرراتی نسبتاً مشابه با برخی مواد قوانین انسداد اتحادیه اروپا و چین وضع گردیده با این تفاوت که چارچوب و جزئیات آن روشن نشده است. همچنین برخی از مواد قوانین انسداد مانند عدم اجرای آرا و تصمیمات صادره از مراجعی که به تحریم‌های فراسرزمینی اثر بخشی داده‌اند، در حقوق ایران مسکوت مانده و پیش‌بینی صریح آن‌ها می‌تواند سودمند باشد، گرچه این نتیجه تحت عناوین عام‌تر و کلی‌تری مانند نظم عمومی قابل تحصیل است؛ لذا شایسته است در حقوق ایران نیز قانون واحدی برای مقابله و انسداد اعمال تحریم‌های نامشروع فراسرزمینی اعم از این که ناظر به ایران باشند یا ناظر به کشورهای دیگر با بیان احکام و جزئیات دقیق‌تر وضع شود؛ چرا که فارغ از توفیق عملی قوانین انسداد، تصویب چنین قوانینی از سوی اعضای جامعه بین‌المللی علاوه بر آنکه تأییدکننده عدم مشروعیت تحریم‌های فراسرزمینی است، به تدریج می‌تواند منجر به حصول اجماع یا اکثریت مؤثر جهانی بر عدم تبعیت از تحریم‌های فراسرزمینی و افزایش کارایی این مقررات و مالاً تکوین و تثبیت عرف بین‌المللی گردد.

از دیگر مواردی که لازم است برای کارآمدی قوانین و مقررات وضع شده در مقابله با تحریم‌های فراسرزمینی مورد توجه قرار گیرد، نوعی انعطاف‌پذیری اجرایی و قابلیت تطبیق با اوضاع و احوال و شرایط است. بدین توضیح که باید مکانیسم و ترتیبات اجرایی در آن‌ها پیش‌بینی شود که با تغییر اوضاع و احوال و توقف یا کاهش اعمال تحریم‌ها از سوی کشور خارجی تحریم‌کننده، با تکیه بر شرط رفتار متقابل که از اصول حاکم بر این قوانین و مقررات است، واکنش تعدیلی متناسب نشان داد؛ زیرا هدف از این قوانین و مقررات تغییر رفتار دولت خارجی تحریم‌کننده است، ولی مکانیسم‌های اجرایی مناسب و تشویق‌کننده برای تغییر و تعدیل رفتار این دولت‌ها طراحی نشده است.

نتیجه

با اعمال تحریم‌های متعدد علیه ایران و آثار زیان‌بار آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی و خدمات عمومی کشور، بررسی ظرفیت حقوقی ایران در خصوص مسئولیت مدنی دولت خارجی به منظور استفاده از این بستر برای طرح دعوی، لازم می‌نمود. در این پژوهش با مذاقه در قوانین موجود از جمله «قانون الزام دولت به پیگیری و استیفای حقوق اتباع و دیپلمات‌های ایرانی آسیب‌دیده از اقدامات دولت‌های خارجی به‌ویژه دولت اشغالگر آمریکا» مصوب ۱۳۸۹/۰۳/۲۶، «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای

رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» مصوب ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ و «قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی» مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۸، عملکرد تقنینی ایران در زمینه مسئولیت دولت خارجی از حیث حمایت دیپلماتیک، اقدام متقابل در برابر نقض مصونیت قضایی و اجرایی ایران و اقدام متقابل در نحوه تعیین میزان خسارت و سپس تعیین قانون حاکم و مرجع صالح بررسی شد. قانون‌گذار در بحث حمایت دیپلماتیک هم‌سو با تحولات حقوق بین‌الملل، آن را حقی برای تبعه در نظر گرفته است. در خصوص اقدام متقابل در نقض مصونیت قضایی و اجرایی و نحوه تعیین خسارت، مباحث اصلی مطرح و به فراخور موضوع انتقاداتی به نحوه نگارش برخی مواد مربوط که فاقد دقت کافی است، وارد شد. در بحث تعیین قانون حاکم در این دعاوی، ضمن تأکید بر سرزمینی بودن قوانین و مقررات دارای طبع حقوق عمومی و نامرتب شدن دیدگاه تعارضی نسبت به موضوع، تبیین شد که قوانین موجود ساکت است. در فرض قابلیت اعمال نگرش تعارضی، با استفاده از قواعد حل تعارض و بررسی تحلیلی بیان شد که اعمال قانون ایران، به عنوان محلی که در زمان وقوع فعل زیان‌بار، زیان دیده یا منافع متعلق به او در آنجا قرار دارد عادلانه‌تر است که البته تشخیص مصداق فعل زیان‌بار بین‌المللی باید با ملاحظات حقوق بین‌الملل همراه باشد. مرجع صالح برای رسیدگی به این دعاوی طبق قانون صلاحیت دادگستری، دادگستری تهران است که پیشنهاد گردید صلاحیت دادگاه‌های داخلی به منظور فراهم کردن سهولت در دسترسی زیان‌دیدگان ناشی از تحریم به دادگاه‌های واقع در سایر استان‌ها، خصوصاً به جهت اهمیت ملی این دعاوی برای مستندسازی خسارات ناشی از تحریم‌ها توسعه یابد تا اشخاص زیان‌دیده بتوانند به راحتی به سایر دادگاه‌های داخلی ایران برای دادخواهی مراجعه کنند. پس از بررسی موضوعات فوق، با توجه به ماهیت مناسب دعوی گروهی پیشنهاد شد که بستر استفاده از آن در دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از تحریم به جهت مزایایی از جمله کاهش خسارات دادرسی در تجمیع پرونده‌های متعدد در یک دعوی، کاهش زمان رسیدگی به یک دعوی به جای چندین دعوی، جلوگیری از صدور آرای متناقض در دعاوی با موضوع واحد فراهم شود. در نهایت با بررسی برخی از مواد بخش هفتم قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه مصوب ۱۳۹۶ روشن شد که مقرراتی نسبتاً مشابه با برخی مواد قوانین انسداد اتحادیه اروپا و چین،

در حقوق ایران وضع گردیده است با این تفاوت که چارچوب و جزئیات آن روشن نشده است که پیش‌بینی جزئیات و موارد مسکوت می‌تواند آثار سودمندی را فارغ از توفیق عملی قوانین انسداد به همراه داشته باشد؛ چراکه تصویب چنین قوانینی از سوی اعضای جامعه بین‌المللی علاوه بر آنکه تأییدکننده عدم مشروعیت تحریم‌های فراسرزمینی است، به تدریج می‌تواند منجر به حصول نوعی هم‌گرایی جهانی بر عدم تبعیت از تحریم‌های فراسرزمینی و افزایش کارایی این مقررات گردد.

بنابراین به طور کلی، مذاقه در قوانین موجود به خصوص قوانینی که پس از قانون صلاحیت دادگستری ایران در دعاوی مدنی علیه دولت خارجی، وضع شده‌اند نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی گرچه موضوعات مهمی را در این قوانین مطرح نموده، لیکن این مباحث را بدون دقت کافی و با تکرارهای بی‌مورد موضوع واحد در قوانین متعدد، با لحاظ نکردن موازین بین‌المللی و عدم بهره‌گیری از ادبیات غنی حقوقی به هدف واکنش سریع به اقدامات کشور آمریکا وضع نموده است؛ بنابراین لازم است که این موضوعات مهم با دقت بیشتری با ابتنا بر نظر کارشناسی به‌نحو منسجم در قانون واحد و با در نظر گرفتن موازین بین‌الملل وضع شود و برخی از خلأ‌های موجود مورد قانون‌گذاری واقع شود.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Laya Joneydi



<http://orcid.org/0000-0003-1597-3860>

Sepideh Razi



<http://orcid.org/0000-0002-7416-1339>

منابع

الف) فارسی

ابراهیمی، نصرالله، «اعمال فراسرزمینی قوانین داخلی و آثار آن با ارجاع ویژه به قوانین هلمز- برتون و داماتو»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال دوم، شماره هفتم و هشتم، (۱۳۷۹).

احمدی، خلیل، «مطالعه تطبیقی مفهوم و انواع دعاوی بین اشخاص مختلف»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۴، (۱۳۹۳).

الماسی، نجادعلی، *تعارض قوانین*، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ ۲۲، ۱۳۹۱).
ایرانیپور، فرهاد؛ سیدمحمد طباطبایی نژاد، *تعارض قوانین در مسئولیت مدنی*، (تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶).

تدینی، عباس؛ سید مصطفی کازرونی، «بررسی تطبیقی قوانین مصونیت دولتی جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا با توجه به دستبرد ۲ میلیارد دلاری ایالات متحده بر اموال ایران»، *مطالعه حقوق تطبیقی*، دوره ۷، شماره ۲، (۱۳۹۵).

حدادی، مهدی؛ علی احدی کرنق، «بررسی ماهیت و ابعاد «عمل متقابل» در قانون صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی»، *حقوق خصوصی*، دوره ۱۴، شماره ۲، (۱۳۹۶).

جنیدی، لعیا، *قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی*، (نشر دادگستر، ۱۳۷۶). جنیدی، لعیا، «تبیین مفهوم نظم عمومی بین‌المللی با تأکید بر قواعد امری حقوق عمومی»، *ارج‌نامه دکتر الماسی*، (۱۳۹۱).

جنیدی لعیا؛ زهرا فریور، «تعارض صلاحیت محاکم خارجی در دعاوی مسئولیت مدنی و قراردادی»، *فصلنامه دولت و حقوق*، شماره ۳ (۱۴۰۰).

ضیائی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق بین‌الملل عمومی*، چاپ ۳۰ (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶).
ظاهری، علیرضا، «تحولات قاعده مصونیت دولت: تاثیر قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران و قانون مبارزه با تروریسم ایالات متحده آمریکا»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره سی‌ام، (۱۳۸۳).

غمامی، مجید؛ حسن محسنی، «رابطه میان استقلال قضاوت و استقلال وکالت»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۵، شماره ۲، (۱۳۹۴).

مافی، همایون؛ سید حسن حسینی مقدم، «دادگاه صالح در حل و فصل اختلافات ناشی از تعهدات غیر قراردادی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۸، شماره یک، (۱۳۹۶).

نهرینی، فریدون، *آیین دادرسی مدنی*، جلد دوم، چاپ ۲، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۰).
روزنامه رسمی، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره نهم - اجلاس دوم، شماره ۲۰۰۸۷، جلسه صد و هفتاد و دوم (۱۷۲)، ۱۳۹۲.

References

[In Persian]

Ahmadi, Khalil, A Comparative Study of Concept and Kinds of Disputes among Different Persons, *Comparative Law Research*, Volume 18, Issue 4, (2014). (In Persian)

- Almasi, Nejad Ali, *conflict of laws*, (Tehran: University Publishing Center, 22nd edition, 2011). (In Persian)
- Ebrahimi, Nasrollah, "Extraterritorial application of domestic Laws and their effects with special reference to Helms-burton and D'Amato Acts", *Qom Higher Education Journal*, second year, seventh and eighth issue, (1379). (In Persian) (In Persian)
- Ghamami, Majid; Hassan Mohseni, "The relationship between the independence of adjudication and the independence of advocacy", *Private Law Studies Quarterly*, Volume 45, Number 2, (2014). (In Persian)
- [Haddadi](#), Mahdi; [Ali Ahadi Karnagh](#), "Review of the Nature and Aspects of "Reciprocity" in the Act of the Jurisdiction of the Iranian Judiciary on Civil Claims against Foreign States", *private law*, [Volume 14, Issue 2](#), October (2017) (In Persian)
- Joneydi, Laya, *applicable law in International Commercial Arbitration*, (Tehran: Nasher Dadgstar, 1997). Joneydi, Laya, "Explaining the concept of international public order with an emphasis on the binding rules of public law". *Essays in Honor of Dr. Almasi*, (2012). (In Persian)
- Joneydi, Laya; Zahra Friver, "Conflict of Jurisdiction of Foreign Courts in Civil and Contractual Liability Claims", *State and Law Quarterly*, No. 3 (2021). (In Persian)
- Mafi, Homayoun; Seyed Hassan Hosseini Moghadam, "Competent Court for the Settlement of Disputes Arising from Non-Contractual Obligations in the Iranian and European Law", *comparative law review*, [Volume 8, Issue 1](#) Spring & Summer, (April 2017). (In Persian)
- Nahreini, Fereidoon, *Code of Civil Procedure*, Volume II, Edition 2, (Tehran: Ganj Danesh Publications, 2022). (In Persian)
- Ziai Bigdeli, Mohammad Reza, *General International Law*, 30th edition, (Tehran: Ganj Danesh Library, 2016). (In Persian)
- Zaheri, Alireza, "[Developments of Jurisdictional Immunity of States: In the Light of U.S.A Anti-terrorism Act & I.R.I Jurisdictional Act](#)", *International Law Review*, [Volume 21, Issue 30](#), (January 2004). (In Persian)
- Tadayoni, Abbas; [Seyed Mostafa Kazerooni](#), "Comparative analyzing of Islamic Republic of Iran's and United States of America's laws on state immunity with regards to the United States recent larceny of Iranian financial assets", *comparative law review*, [Volume 7, Issue 2](#), (October 2016). (In Persian)

ب) انگلیسی

- Aduku, Oshoma, *State Diplomatic Protection for Citizens with Dual Nationality* (Case Study of Nnamdi Kanu, Nigerian and British National). (2021). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3880777>
- Crescenzi, Mark; Rebecca H. Best; Bo Ram Kwon, *Reciprocity in International Studies*, the International Studies Encyclopedia, (2010).
- Crowell & Moring LLP, *The Foreign Sovereign Immunities Act: 2014 Year in Review*, law and Business Review of The Americas, vol.22, (2016).
- Cohen, Thomas H, *Punitive Damage Awards in Large Counties*, U.S. Department of Justice Office of Justice Programs, (2001).
- Denza Eileen, "Nationality and Diplomatic Protection", *springer, Asser press*, Netherlands International Law Review. (2018).
- Folch, A.E., "Economic Sanctions and the Duration of Civil Conflicts". *Journal of Peace Research*, (2010).
- Finke, Jasper, "Sovereign Immunity: Rule, Comity or Something Else?" *The European Journal of International Law*, Vol. 21 no. 4. (2010).
- Hensler, Deborah, *The Globalization of Class Actions*, The Annals of the American Academy of Political and Social Science, Vol. 622 (1), (2009).
- O'Connell M. "Debating the Law of Sanctions", *European Journal of International Law*, Vol. 13 No. 1 (2002).
- Peters, Anne; Evelyne Lagrange; Stefan Oeter, *Immunities in the Age of Global Constitutionalism*, Brill Nijhoff, Boston, digital offprint Koninklijke Brill NV, (2015).
- Polinsky, A. Mitchell; Steven Shavell, *Punitive Damages*, Cheltenham, UK: Edward Elgar, Volume II, (2000).
- Pergantis, Vasileios, *Towards a "Humanization" of Diplomatic Protection?*, *ZaöRV* 66, (2006).
- Pace, Nicholas M., "Class Actions in the United States of America: An Overview of the Process and the Empirical Literature", *RAND Institute for Civil Justice*, California, U.S.A. (2007).
- Murphy, Bernard; Camille Cameron, *Access to Justice and the Evolution of Class Action Litigation*, Melbourne University Law Review, vol 30. (2006).
- Udvary, Sandor, *The Advantages and Disadvantages of Class action*, *Iustum Aequum Salutare* IX. (2013).
- Vermeer-Künzli, Annemarieke, 'As If: The Legal Fiction in Diplomatic Protection', *European Journal of International Law*, Vol. 18 no, (2007).

- Verhoeven, Joe, "Charles de Visscher: Living and Thinking International Law", *The European Journal of International Law*, Vol. 11 No. 4, (2000).
- Whytock, Christopher A., 'Foreign State Immunity and The Right to Court Access', *Boston university law review*, Vol. 93, (2013).
- Wiesinger, Eva, "State Immunity from Enforcement Measures", *University of Vienna*, (2006).
- "Draft Article on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts" 2001.
- "Draft articles on the responsibility of international organizations" 2011.
- Draft articles on Diplomatic Protection, 2006, adopted by the International Law Commission at its fifty-eighth session and submitted to the General Assembly, Official Records of the General Assembly, Sixty-first Session supplement No. 10 (A/61/10).
- Case C-124/20, Bank Melli Iran v. Telekom Deutschland GmbH, JUDGMENT OF THE COURT (Grand Chamber), 21 December 2021
- Case Bank Markazi v. Peterson, Supreme Court of the United States anuary 13, 2016, argued; April 20, 2016.
- Case Stephen M. Flatow, Plaintiff, v. The Islamic Republi OF Iran, the Iranian Ministry of Information and Security, Ayatollah Ali Hoseini Khamenei, Ali Akbar Hashemi-Rafsanjani, Ali Fallahian-Khuzestani, and John Does, United States District Court, District of Columbia, 999 F. Supp. 1 (1998), No. 97-396 (RCL), March 11, 1998
- Case Joseph J. Cicippio, et al., Plaintiffs, v. Islamic Republic of Iran, Defendant, Civil Action No. 96-1805(TPJ), United States District Court, District of Columbia, 18 F. Supp. 2d 62 (D.D.C. 1998) August 27, 1998.

استناد به این مقاله: جنیدی، لعیا و راضی، سپیده. (۱۴۰۱). نگاهی انتقادی به عملکرد تقنینی ایران در مورد مسئولیت مدنی دولت خارجی در اعمال تحریم. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۰(۳۹)، ۸۳-۱۲۵. doi: 10.22054/jplr.2023.68036.2678



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.